



پژواکی از شهر خاموش

گزارشی از فعالیت کانون موسیقی

دانشگاه فردوسی در سال ۹۵

صفحه ۹

دور نیست...

چشم انداز کانون تئاتر

دانشگاه فردوسی در سال ۹۶

صفحه ۸

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال سوم / شماره سی و یکم / نیمه اول اسفند ۱۳۹۵

## امید و دلواپسی



حسین محمد دوست  
فارغ التحصیل حقوق و علوم سیاسی

۳۱ سال پیش (۱۳۶۴) در گرماگرم جنگ ایران و عراق آیت‌الله هاشمی خاطرات روزانه خود را می‌نگاشت. مشخص نیست که همان روزها نام «امید و دلواپسی» را برای دفترچه خاطرات آن سالش برگزیده بود یا سال‌ها بعد که کتابش را در سال ۱۳۸۷ منتشر کرد. به هر حال می‌توان با تسامح عنوان کتاب خاطرات آیت‌الله را برای نام‌گذاری سالی که بر ما گذشت، انتخابی به‌جا و مناسب دانست. سالی که پس از افتخار آفرینی در عرصه موسیقی و سینما نوید آینده‌ای سرشار از امید مخصوصاً در عرصه فرهنگ و هنر را می‌دهد و البته دلواپسمان می‌کند از برای روزهای فردا که هاشمی رفسنجانی دیگر نیست.

۱. می‌توانم راحت بمیرم!

«من موفق شدم در بدترین شرایط تا حدودی این وضع را عوض کنم و مردم با همان مردانگی که انقلاب کردند، سال ۹۲ هم پیروز شدند و اکنون دیگر می‌توانم راحت بمیرم. در دوره احمدی‌نژاد به‌ویژه پس از سال ۸۸ انقلاب داشت منحرف می‌شد و به سمت اختناق می‌رفت، من موفق شدم در بدترین شرایط تا حدودی این وضع را عوض کنم و مردم با همان مردانگی که انقلاب کردند سال ۹۲ هم پیروز شدند.»

درست یا غلط هاشمی رفسنجانی در رسالتی که برای خود تعریف کرده بود کامیاب شد و در اردیبهشت ۹۵ با بیان جملات بالا از آسودگی خاطرش نسبت به آینده ایران سخن گفت. ۶ ماه پس از آن بود که هاشمی در آبان‌ماه ۹۵ از آینده انقلاب سخن گفت و شرط موفقیت جمهوری اسلامی را در گرو تحقق هشت مولفه دانست: ۱- دوری از دروغ و فریبکاری ۲- همکاری با دنیای اسلام ۳- تقویت سیاست خارجی ۴- توجه به تولید ۵- عدم دخالت نیروهای نظامی در انتخابات ۶- تقویت معیارهای انتخاباتی ۷- افزایش حضور مردم در اقتصاد و استفاده از جوانان و زنان تحصیلکرده در ابعاد مختلف ۸- ورود حوزه های علمی برای نهادینه کردن اخلاقیات اسلامی. حال امروز ما مانده‌ایم و میراث هاشمی.

۲- سانسور کسب و کار من است!

«سانسور، بخشی از فرآیند ایجاد خلاقیت در بسیاری از کشورها است. سال‌ها پیش نیز در اسپانیا چنین محدودیت‌هایی وجود داشت. سانسور دارای اثری مضاعف است. محدودیت باعث ایجاد زبان جدید و بیان خلاقانه‌ای می‌شود که به خودی خود می‌تواند جالب باشد.»

مهرماه ۸۹ بود که فرهادی با بیان آرزوهایی درباره سینمای ایران پروژه سینمایی «جدایی نادر از سیمین» را به محاق توقیف برد. هرچند این توقیف تنها ۱۰ روز بود اما او دوباره با انرژی مضاعف به سرکار بازگشت و دانست چگونه زیر سایه سانسور فیلم بسازد تا جهانی شود. عبارات بالا نیز بخش‌هایی از مصاحبه اوست با خبرگزاری افه اسپانیا پس از کسب دومین اسکار خود.

۳- از زاهدان تا تربت حیدریه!

«علاوه بر ترویج موسیقی سنتی و اصیل ایرانی، حمایت از علاقه‌مندان موسیقی در مناطق محروم ایران هدف اصلی ماست؛ چراکه هیچ موسیقی‌دانی حاضر به برگزاری کنسرت در این نواحی نیست، با وجود اینکه مردم این نواحی از عشق و شعور بالایی نسبت به موسیقی ایرانی برخوردارند.»

زاهدان، خرمشهر و تربت حیدریه. مکان کنسرت‌های اخیر برنده گرمی امسال (بازرزش‌ترین جایزه موسیقایی جهان) بوده‌است. می‌توان ساعت‌ها قربان صدقه مردم و شعورشان و درک موسیقی‌شان رفت اما کدام موزیسینی را در این سطح سراغ دارید که رنج سفر به شهری غریب هم‌چون تربت حیدریه که فرودگاه ندارد را بکشد و در آن‌جا کنسرت رایگان برگزار کند. بنابراین می‌توان مطمئن بود جملاتی را که کلهر گفته است حقیقی و از صمیم قلب است در دوره‌ای که شوی هنرمندی سکه رایج روزگار است.

هاشمی رفسنجانی، اصغر فرهادی و کیهان کلهر چهره‌های منتخب وقایع اتفاقیه در سال ۱۳۹۵ «امید و دلواپسی» بودند. در این شماره برآن شدیم تا نگاهی گذرا داشته باشیم به دیروزمان و فردایمان. امید که سال آینده «سال امید» باشد و از «دلواپسی» خبری نباشد.

# امید و دلواپسی

سالنامه ۱۳۹۵

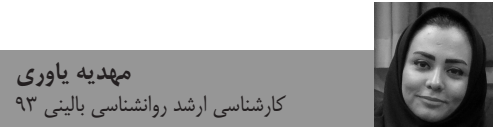
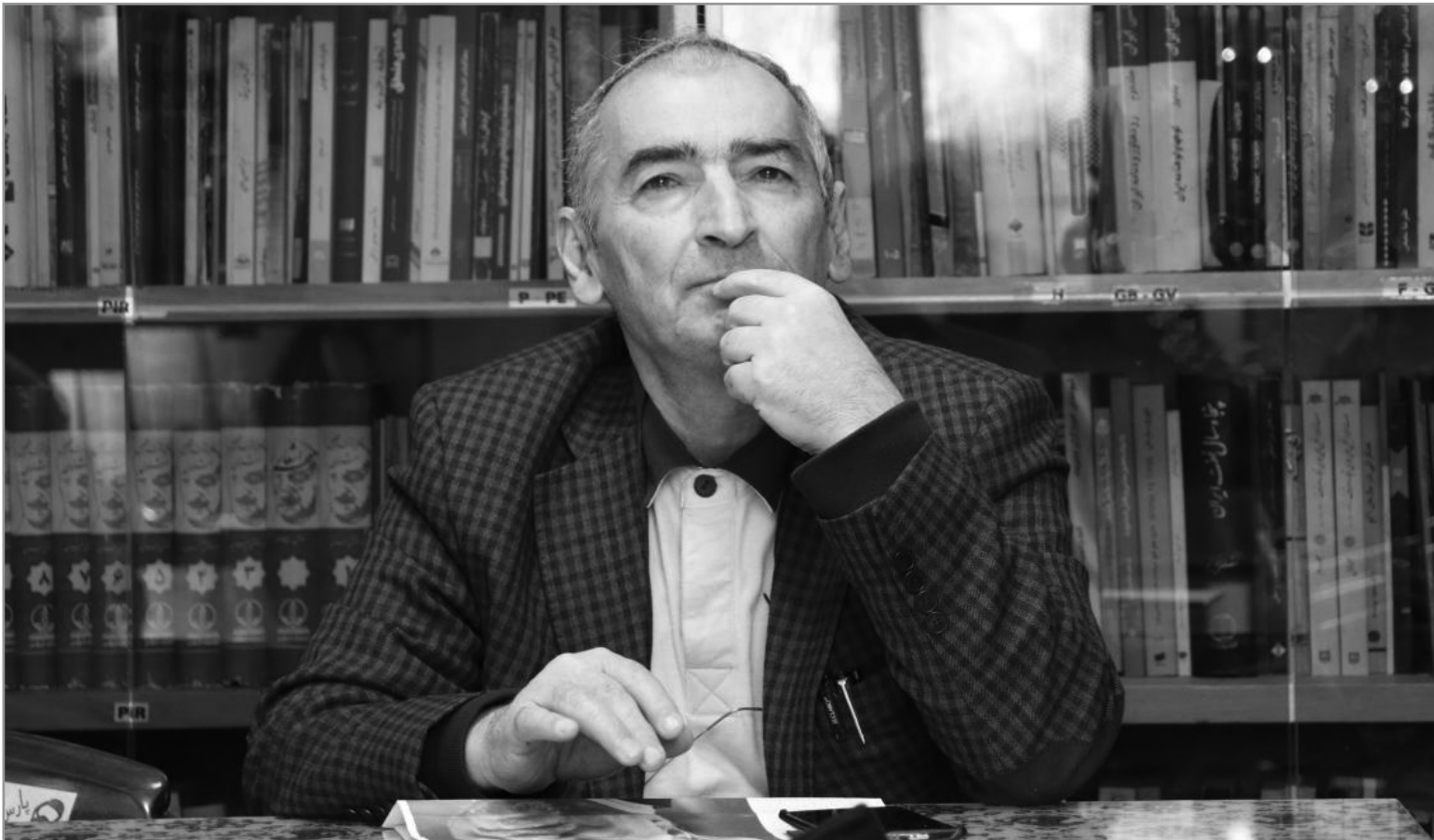




سخنگوی قوه قضائیه در خصوص آخرین وضعیت پرونده حمید بقایی، گفت: این پرونده همچنان مفتوح است. حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای در نشست خبری، در خصوص اتهامات حمید بقایی و ادعای ورود رهبر انقلاب به پرونده این فرد، اظهارداشت: عذر قانونی در رابطه با بردن برخی اسامی هست و قرار نهایی برای این پرونده اعلام نشده است. وی افزود: وظایف شورای نگهبان برای رسیدگی به صلاحیت افراد مشخص است بنابراین به این معنی نیست که تایید صلاحیت منوط به داشتن پرونده نیست و ممکن است.

## دکتر زیباکلام در مصاحبه اختصاصی با وقایع اتفاقیه عنوان کرد:

### هاشمی در مسیر ماندلا و گاندی



مهدیه یوری  
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳

پیش مصاحبه: «هاشمی رفسنجانی و دوم خرداد» و «هاشمی بدون روتوش» دو کتاب دکتر صادق زیباکلام پیرامون مرحوم هاشمی رفسنجانی هستند که اولی را در اواخر دهه‌ی هفتاد که اصلاح‌طلبان تندرو، هاشمی را سدی در برابر توسعه سیاسی می دانستند در دفاع از هاشمی نگاشت (مجموعه مقالات) و دومی کتابی است که در اواخر دهه‌ی هشتاد در دفاع از هاشمی این‌بار مقابل اصولگرایان تندرو به رشته تحریر درآورد (مجموعه مصاحبه). صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران جنجالی‌ترین استاد دانشگاه ایران است که وقتی با او به حرم امام رضا مشرف شدیم هم‌چون بازیگران مورد اقبال و توجه توده مردم واقع شد. شاید همین شهرت است که باعث شده صریح سخن بگوید و نقد کند حتی هاشمی را که دوست دارد. خلاصه‌ای از گفتگوی بلند ما با وی را در ادامه می‌خوانید. لازم به ذکر است براساس این مصاحبه مستندی ۳۰ دقیقه‌ای با عنوان «آیت‌الله» در سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی تهیه شده است که در کانال سازمان به آدرس @scjdir موجود است.

– چند ماه پیش از فوت آقای هاشمی فرزند ایشان یاسر هاشمی نکات جدیدی از زندگی اقتصادی پدرشان را در گفتگویی مطرح کردند که جالب توجه بود نظیر اینکه آقای هاشمی پیش از انقلاب ساخت‌وساز ساختمانی انجام می‌دادند و درآمدش را صرف مبارزه می‌کردند. تحلیل شما پیرامون سیر ثروت‌اندوزی مرحوم هاشمی و شایعاتی که پیرامون آن حتی تا امروز مطرح است چیست؟

– تفکیک سره و ناسره در خصوص موضوع ثروت آقای هاشمی دشوار است. به عبارت دیگر تفکیک حقایق از شایعات در این باره به این علت سخت است که طی تاریخ جمهوری اسلامی ایران دو گروه چپ تندرو (اصلاح طلبان تندرو) در دهه‌ی ۷۰ و راست تندرو یا همان اصولگرایان تندرو در نیمه دوم دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ فضای سنگینی علیه مرحوم هاشمی رفسنجانی ایجاد کردند. البته هجده‌های این دو گروه تفاوت‌هایی با هم داشته است. اصلاح طلبان تندرو به علت محبوبیتی که در عصر اصلاحات داشتند حرف‌هایشان تاثیرگذارتر از اصولگرایانی بود که علی‌رغم تریبون‌های رسمی نظیر نمازجمعه، صداوسیما، روزنامه‌ها و... تنها محبوبیتی ۴ میلیونی دارند. اگر بخواهیم داستان ثروت آقای هاشمی را گذرا مرور کنیم باید به سال‌های پیش از انقلاب بازگردیم. از حیث جامعه‌شناسی عموم طلاب حوزوی و دینی که به قم می‌آمدند از اقشار کم‌درآمد و فقیر روستایی و شهری بودند اما داستان آقای هاشمی فرق می‌کرد، همان‌طور که امثال مرحوم مطهری، بهشتی و طالقانی که از قضا از سران انقلاب نیز شدند از اقشار مرفه‌تر جامعه بودند. در نتیجه سبک زندگی عموم حوزویان متکی به عناصری نظیر شهریه دریافتی، عزیمت به سفرهای تبلیغی و... بود. باید گفت خاندان مرحوم هاشمی در روستای نوق بهرمان خانواده‌ای نسبتاً ثروتمند بودند که زمین، باغ پسته و از همه مهم‌تر چندین حلقه چاه آب داشتند. با ذکر این نکته که چاه آب در استان کرمان کم‌آب ارزش اقتصادی بسیار زیادی دارد. مضاف بر این خانواده همسر مرحوم هاشمی یعنی خاندان مرعشی از خاندان هاشمی بسیار ثروتمندتر بودند. ذکر این نکته ضروری است که اصولاً روحانیون ما پیش از انقلاب اهل کارهای اقتصادی نبودند و سرگرم درس و بحث حوزوی خود بودند اما آقای هاشمی از همان دهه ۴۰ که در قم مشغول تحصیل علوم دینی و غیردینی نظیر تاریخ بود فعالیت‌های اقتصادی نظیر ساختمان سازی انجام می‌داد. به تعبیر امروز می‌شود گفت ایشان بسازوبفروش بود. در کنار عوامل ذکر شده باید از علاقه مرحوم تولیت که یکی از ملاکان بزرگ قم بود به آقای هاشمی غافل نشد. مرحوم تولیت به علت شم اقتصادی هاشمی معمم و روحانی علاقه‌ای خاص به وی داشت. مرحوم تولیت در آن دوران مدیریت و رق وفتح زمین‌های بسیاری را به آقای هاشمی واگذار کرد که ایشان نیز خانه‌های مسکونی زیادی را در همان زمین‌ها برای طلاب حوزوی ساخت و به صورت اقساط بلندمدت به ایشان فروخت. سلامت اقتصادی هاشمی در همین جا عیان می‌شود که حتی یک نفر از آن طلبه‌ها مدعی نشد که هاشمی رفسنجانی در ساخت و فروش ساختمان سرش را کلاه گذاشته یا ملک را به او گران فروخته

تغییر آقای هاشمی و جدا شدنش از اصولگرایان به سال ۷۶ برمی‌گردد. تحول آقای هاشمی در بستر زمان و به صورت تدریجی بود. مرحوم هاشمی پس از ۷۶ بود که به نگاهی جدید نسبت به مسائلی نظیر حکومت، مردم، حقوق بشر و... دست پیدا کرد. طبیعتاً هاشمی رفسنجانی سال ۶۰ با هاشمی سال ۷۶ و جلوتر بیاییم هاشمی سال ۹۵ یکسان نیست. هاشمی در گذر سال‌ها دیدگاهش نسبت به حقوق ملت، نهاد انتخابات، جایگاه و نقش شورای نگهبان و... تغییر کرد و در مسیر ماندلا شدن و گاندی شدن قدم برداشت. از سوی دیگر عدم توفیق کامل مرحوم هاشمی در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی دولتش نظیر توسعه اقتصادی، تحقق بازار آزاد و... نیز می‌تواند از جمله دلایل بازنگری ایشان در نظرات و تفکراتش باشد.

– گمان می‌رود آقای هاشمی از سال ۸۸ به بعد از سوی حاکمیت طرد شد و دوران سختی را سپری کرد. هرچند انتخاب آقای روحانی در سال ۹۲ با حمایت مرحوم هاشمی نشان داد که وی به عنوان کنشگری سیاسی در بالاترین سطح تاثیرگذاری بر روی مردم است. سال‌های پایانی عمر آیت‌الله هاشمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– به نظر من آقای هاشمی از سال ۸۸ به بعد شکنجه روحی شد و تلخ‌ترین، سخت‌ترین و دردناک‌ترین دوران زندگی خود را سپری کرد. ببینید آقای هاشمی پیش از انقلاب سختی‌های زیادی کشید، شکنجه شد و آزار روحی و جسمی زیادی دید اما تمام این مشقات به امید آینده‌ای بهتر بود که در پیروزی انقلاب متجلی شد اما آنچه پس از سال ۸۸ بر سر هاشمی آمد از جانب دوستان دیروزش بود. سال‌های پایانی عمر مرحوم هاشمی تداعی‌گر داستان اعدام منصور حلاج بود که از آزار و سنگ پرتایی هیچ کس نناید جز دوست دیروزش شبلی که به او تکه گلی ماسه‌ای پرتاب کرد. پس از سال ۸۸ همتی نبود که به ایشان نسبت داده نشود از اشرفانی گری بگیرد تا آمریکایی و منافق و ردصلاحیت در انتخابات ریاست جمهوری. اما پاسخ ایشان به تمام این جفاها سکوت بود. البته من معتقدم سکوت ایشان جواب داد. من جواب سکوت هاشمی را در تشییع جنازه باشکوه ایشان دیدم که مملو از جوانان دهه شصتی و دهه هفتادی بود. افرادی که طبعاً باید امروز به خاطر دیروز هاشمی به او ناسزا می‌گفتند اما در روز تشییع همگی سوگوار و ماتم‌زده بودند.

– به عنوان سوال آخر برایمان بگویید میراث هاشمی رفسنجانی در سال ۹۵ چیست؟

– از دست دادن آقای هاشمی به قول فرنگی‌ها یک (setback) یا ضربه بود که بر پیکر اعتدالیون و اصلاح‌طلبان وارد شد اما به جد معتقدم اکبر هاشمی رفسنجانی توانست درخت نحیف و ضعیف اعتدال و میانه‌روی را در جامعه‌ی انقلابی ایرانی پرورش دهد. به بیان دیگر مرحوم هاشمی رفسنجانی اعتدال و عقلانیت را بدل به یک گفتمان پویا و زنده کرد که در غیاب خودش نیز مانا و جاودانه است.

می‌آید نداشت. البته در این‌جا ذکر این نکته لازم است که اساساً در دهه‌ی ۶۰ همه انقلابی و رادیکال بودند. هیچ کس نسبت به اقدامات مرحوم خلخالی در سال‌های ابتدایی انقلاب به جز مرحوم بازرگان معترض نبود. مثالی برای شما بزخم تا بتوانید منصفانه‌تر قضاوت کنید. در همان اوایل انقلاب مرحوم بازرگان به عنوان نخست‌وزیر انتقاداتی را نسبت به اقدامات مرحوم خلخالی مطرح کردند. متعاقب آن خلخالی در واکنش، طی حرکتی قهرآمیز تهران را ترک کرد. پس از آن دانشجویان دانشگاه‌های تهران از طیف‌های مختلف چپ و راست و مسلمان تمام اختلاف‌های خود را کنار گذاشتند و در حمایت از مرحوم خلخالی در خیابان انقلاب دست به راهپیمایی زدند! بنابراین اگر می‌خواهید یقه‌ی آقای هاشمی را بگیرید، بگیرید اما یقه ملت و مردم را هم بگیرید! در عین حال معتمد آقای هاشمی هیچ‌گاه تمعدا و صراحتاً نخواست تا حقوق شهروندی پایمال می‌شود. به عبارت دیگر حقوق بشر در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی با سکوت ایشان نقض شد در حالی که خودش هیچ‌گاه دستور نداد تا بگیرند و ببرند و بزنند.

– آقای دکتر زیباکلام به نظر شما تحول آقای هاشمی رفسنجانی از چه زمانی رخ داد و آیا ایشان آن‌گونه که عده‌ای معتقدند از بغض آقای احمدی‌نژاد تغییر خط سیاسی داد؟

– قطعاً همراه شدن مرحوم هاشمی با خیل عظیم مردم و تغییر و تحولش از بغض احمدی نژاد نبود. چون که بغض و خشم فروکش می‌کند و مستمر و دائمی نیست. روند

## خلاصه گفت و گو

– باید گفت خاندان مرحوم هاشمی در روستای نوق بهرمان خانواده‌ای نسبتاً ثروتمند بودند که زمین، باغ پسته و از همه مهم‌تر چندین حلقه چاه آب داشتند. با ذکر این نکته که چاه آب در استان کرمان کم‌آب ارزش اقتصادی بسیار زیادی دارد.

– ورای تمام این مسائل استغنا و علوطبع مرحوم هاشمی بود که از همان ابتدا ثروت‌ستیز نبود و با نگاه منفی به ثروتمندان نمی‌نگریست و تا زمانی که برایش اثبات نمی‌شد ثروت از راه نامشروع و غیرقانونی به دست نیامده است دست به اقدامات بازدارنده و سلبی نمی‌زد.

– آقای هاشمی در دوران ریاست‌جمهوری‌اش کوچک‌ترین التفات و توجهی به آنچه ذیل حقوق شهروندی می‌آید نداشت.

– تحول آقای هاشمی در بستر زمان و به صورت تدریجی بود. مرحوم هاشمی پس از ۷۶ بود که به نگاهی جدید نسبت به مسائلی نظیر حکومت، مردم، حقوق بشر و... دست پیدا کرد.

– به نظر من آقای هاشمی از سال ۸۸ به بعد شکنجه روحی شد و تلخ‌ترین، سخت‌ترین و دردناک‌ترین دوران زندگی خود را سپری کرد.

## حکم محکومیت احمد منتظری با وساطت یکی از مراجع و موافقت رهبر انقلاب تعلیق شد

یکی از مقامات مسئول در دادگاه ویژه روحانیت قم جزئیاتی از دلیل تعلیق حکم زندان حجت الاسلام والمسلمین احمد منتظری را عنوان کرد. حکم زندان فرزند مرحوم آیت الله منتظری که چندی پیش به جرم اقدام علیه امنیت ملی محکوم به ۶ سال زندان شده بود، به حالت تعلیق درآمد و وی پس از گذراندن دوران مرخصی خود آزاد شد. یکی از مقامات مسئول در دادگاه ویژه روحانیت قم جزئیاتی از دلیل تعلیق حکم زندان احمد منتظری را عنوان کرد. این مقام مسؤول در دادسرای ویژه روحانیت قم با اشاره به آزادی احمد منتظری که اخیراً جهت اجرای محکومیت خود به زندان معرفی شده بود، گفت: متعاقب رسیدگی به اتهامات آقای احمد منتظری دایره بر اقدام علیه امنیت ملی، تضعیف مبانی نظام اسلامی و امام راحل ره و حمایت از منافقین کور دل و تروریست و محکومیت وی به تحمل ۶ سال حبس در دادگاه بدوی و قطعیت آن در دادگاه تجدیدنظر، نامبرده با مراجعه و توسل به یکی از مراجع عظام تقلید و دادن تعهد به ایشان، خواستار وساطت نزد رهبر معظم انقلاب مدظله العالی شدند. وی ادامه داد: سرانجام در راستای احترام و اجابت خواسته مرجعیت، مقام معظم رهبری با تعلیق اجرای حکم با شرط تعهد ایشان نزد مرجعیت مبنی بر عدم اقدام علیه امنیت ملی موافقت فرمودند که مراتب موافقت پس از اجرای حکم و معرفی محکوم علیه به زندان، از سوی دفتر معظم له و جهت پیگیری به دادسرای ویژه روحانیت ابلاغ گردید که در نهایت محکوم علیه مجدداً با دادن تعهد کتبی مبنی بر پرهیز از تکرار جرایم ارتكابی، و فعلاً از زندان آزاد شده است.



## اساتید دانشگاه درباره چشم انداز سیاسی و اقتصادی ایران

### در سال آینده می گویند

دهند. البته در صورت بروز یکسری اتفاقات و بحران های اجتماعی زمینه برای ایجاد تحول به وجود خواهد آمد.

**دکتر دینی ترکمانی:** به لحاظ رشد اقتصادی قاعدتاً وضع موجود ادامه خواهد یافت و رشد ۳ و ۴ درصدی را خواهیم داشت، اما در مجموع با توجه به اتفاقاتی که در عرصه جهانی و منطقه خاورمیانه رخ داده است و همچنین با توجه به اتفاقات در حوزه سیاست و روی کار آمدن ترامپ و تنش هایی که بعد از مطرح شدن وی ایجاد شده، ما وضعیت خیلی روشنی نداریم و این می تواند نگران کننده باشد. همچنین در این فضا پیش برد سیاست جذب سرمایه خیلی سخت تر خواهد شد.

در چند سال اخیر نیز تقریباً قیمت دلار یک روند ثابتی را طی کرده است ولی در ماه گذشته با توجه به یکسری اتفاقات ما مشاهده کردیم که قیمت دلار ناگهان افزایش یافت و حتی تا مرز ۴۱۳۰ تومان هم رسید و بعد با ارزی که به بازار تزریق شد قیمت آن کاهش پیدا کرد. حال اگر این تنش ها افزایش پیدا کنند طبیعتاً دوباره شاهد افزایش قیمت دلار خواهیم بود که در این صورت برای کاهش قیمت دلار از طریق ساز و کار شاخص بندی قیمت ها، دوباره شاهد تورم بیش از ده درصدی خواهیم بود و این موضوع باعث بازگشت مشکلات ناشی از افزایش تورم به کشور خواهد شد و باید دید در آن بازه زمانی چه سیاست های اقتصادی را دولت در پیش خواهد گرفت.

شد، هیچ پیش بینی کننده ای نمی توانست پیش بینی کند که در آینده ایشان چه سیاست ها و اقداماتی را پیش خواهد گرفت. در واقع ما معمولاً با موقعیت هایی روبرو می شویم که پیش بینی کار دشواری میشود، ولی من معتقدم که دیگر مردم در ایران به حدی از عقلانیت و صلاحیت رسیده اند که کارهای عجیب و غریب و احساسی را کمتر انجام دهند.

**پرسش مشترک از دکتر راغفر (استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا) و دکتر دینی ترکمانی (استاد اقتصاد موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)**

**نظر شما در مورد چشم انداز اقتصادی ایران در سال آینده چیست؟**

**دکتر راغفر:** تحولات بین المللی در سال های اخیر و نااطمینانی از رفتار رییس جمهور آمریکا، عواملی هستند که می توانند روی عملکرد ایران اثر بگذارد، حال اگر این نااطمینانی باعث بروز اتفاقی شود ممکن است شاهد تغییراتی باشیم ولی در غیر این صورت ما چشم انداز خاصی را برای آینده اقتصادی ایران نداریم، ضمن اینکه ممکن است وضع بدتر هم بشود. چرا که منابع در دسترس محدود تر می شود و بدهی ها هم افزایش می یابد و هیچ سیاست روشنی هم برای خروج از وضعیت کنونی وجود ندارد. در واقع عملاً وضع کنونی ادامه خواهد یافت مگر این که اتفاق جدی بیفتد که سبب شود مسئولین بازنگری در نگاهشان به سیاست های اقتصادی را در دستور کار خود قرار

در مجموع اگر بررسی کنیم به نظر من مثبت بوده ولی اگر در مقام مقایسه با دوره آقای احمدی نژاد بخواهیم قرار دهیم باید آن در یک طیف قرار دهیم، در واقع ما زمانی می توانیم یک ارزیابی دقیق داشته باشیم که هشت سال دوره ریاست جمهوری آقای روحانی هم تمام شود، چون سنت ریاست جمهوری در ایران یک سنت هشت ساله است و من توصیه نمی کنم که به سمت سنت چهار ساله برویم چرا که چهار سال برای سیاست گذاری بازه زمانی کوتاهی می باشد و حال اگر بصورت بی طرف بخواهیم مقایسه کنیم باید ببینیم اگر آقای روحانی به عنوان رییس جمهور انتخاب شوند، در چهار سال آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد. بطور کلی چشم انداز سال ۹۶ این است که اگر آقای روحانی در مقام ریاست جمهوری باشند، با توجه به این موضوع که آمریکا در شرایط تهدید سازی برای ایران قرار گرفته، باید دید به همان سیاست قبلی ادامه خواهند داد یا خیر؟

و اگر فرد دیگری به عنوان رییس جمهور انتخاب شود واقعا نمی شود سیاست ها و اتفاقات را پیش بینی کرد چرا که هنوز در کشور کارزار انتخاباتی شروع نشده است و ما از گزینه های دیگر اطلاعی نداریم، و یکی از نکات منفی در کشور ما همین موضوع است که ما در وضعیت هایی قرار می گیریم که قادر به پیش بینی نیستیم به عنوان مثال وقتی آقای احمدی نژاد به سرعت برای ریاست جمهوری مطرح

**سجاد نامور**  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳



**دو پرسش از دکتر وحید (استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران)**

**نظر شما در مورد چشم انداز سیاسی ایران در سال ۹۶ چیست؟**

ما در سال ۹۶ انتخابات ریاست جمهوری رو پیش رو داریم، که البته این کارزار انتخاباتی متأسفانه یک کارزار کوتاهی است، اگر ایران را با ایالات متحده آمریکا مقایسه کنید می بینیم که کارزارهای انتخاباتی در آن جا طولانی هستند ولی ما در ایران یک نظام سیاسی را داریم که کارزار انتخاباتی را کوتاه کرده است، یعنی از زمانی که شورای نگهبان، کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری را اعلام می کند و مشخص می شود که چه افرادی کاندید شده اند تا زمانی که یکی از کاندیداها رییس جمهور می شود زمان کوتاهی می باشد، و ما مشاهده می کنیم که در ایران در واقع کارزار انتخاباتی بعد از انتخابات اتفاق می افتد، در صورتی که در سایر کشورها کارزار های انتخاباتی قبل از انتخابات اتفاق می افتد. به اعتقاد من اگر در سال ۹۶ دوباره آقای روحانی به عنوان رییس جمهور انتخاب شوند قاعدتاً به همان روند سیاست گذاری خود ادامه خواهند داد و همان خطوط سیاسی را دنبال خواهند کرد.

**آیا به نظر شما این سیاست گذاری ها مثبت بوده است؟**

## خبرسازان ۹۵



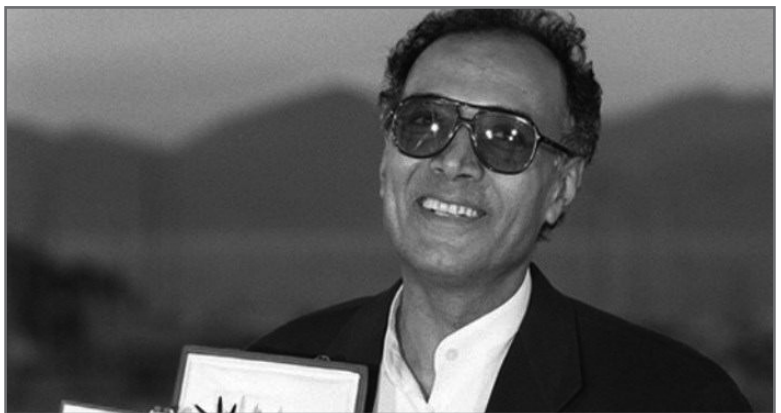
۱۸ آبان ماه: ترامپ جمهوری خواه در میان تعجب جهانیان، چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا شد. ترامپ با ۷۰ سال سن ثروتمندترین و مسن ترین کسی شد که ریاست جمهوری آمریکا را شروع می کند.



۳۰ دی ماه: پلاسکو؛ اولین آسمان خراش و ساختمان مدرن خاورمیانه پس از ۵۴ سال از زمان ساخت بر اثر آتش سوزی فرو ریخت و ۵۶۰ واحد تجاری در آن نابود شد.



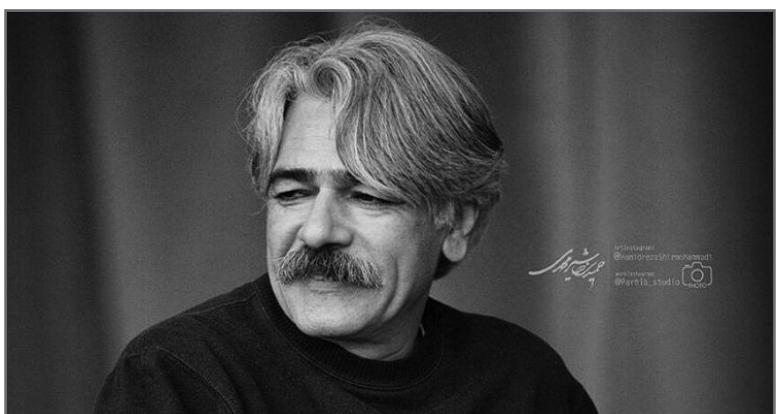
۹ اسفندماه: اصغر فرهادی برای دومین بار اسکار گرفت. انوشه انصاری و فیروز نادری به نمایندگی از فرهادی جایزه را دریافت کردند.



۱۴ تیرماه: عباس کیارستمی کارگردان نام آوار ایرانی، پس از گذران دوره ای کوتاه از بیماری که به علت قصور پزشکان ایرانی تشدید شده بود به فرانسه منتقل شد و سرانجام بخاطر سکنه مغزی در آن سامان درگذشت.



۱۹ دی ماه: هاشمی درگذشت...



۲۵ بهمن ماه: کیهان کلهر به همراه گروه جاده ابریشم برنده گرمی شد. در پنجاه و نهمین دوره جوایز موسیقی گرمی آلبوم sing me home از گروه جاده ابریشم به رهبری یویوما برنده جایزه گرمی بهترین موسیقی جهانی شد.

موج مهاجرت دانشجویان خارجی به استرالیا

تلاش دولت استرالیا برای جذب دانشجویان خارجی سبب شده که تعداد زیادی از دانشجویان کشورهای مختلف و از همه بیشتر هندی‌ها به استرالیا بروند. به گزارش ایسنا به نقل از اکونومیک تایمز، در سال ۲۰۱۶ بیش از ۸۰ هزار دانشجوی هندی در موسسات آموزش عالی استرالیا ثبت نام کرده‌اند. موسسات دانشگاهی در استرالیا در سال گذشته در مجموع حدود ۵۰۰ هزار نفر دانشجوی خارجی را جذب کرده‌اند. اتفاقات سیاسی نظیر ممنوعیت‌های اعمال‌شده در آمریکا و برگزیت(خروج انگلیس از اتحادیه اروپا) سبب شده است تا بسیاری از دانشجویان گزینه‌های دیگری را برای ادامه تحصیل انتخاب کنند و یکی از کشورهایی که توانسته است از این شرایط به نحو احسن استفاده کند استرالیاست. طبق گزارش‌هایی که به تازگی منتشر شده است انتظار می‌رود میزان اقبال دانشجویان خارجی به دانشگاه‌ای استرالیا بیشتر هم بشود و در سال تحصیلی آینده این کشور بتواند تعداد قابل توجهی از دانشجویان و محققان بین‌المللی را به خود جذب نماید.



جامعه ایران  
جامعه پارادوکس هاست



دکتر نجف زاده در گفتگو با وقایع اتفاقیه:

مریم رضازاده  
فارغ التحصیل ریاضیات و کاربردها

پیش مصاحبه؛ دکتر مهدی نجف زاده در سال ۹۵ با نگارش کتاب «جابه جایی دو انقلاب» توانست نگاه تیزبین پژوهشگران علوم سیاسی را باز دیگر به دانشگاه فردوسی جلب کند. کتابی که حرفی نو دارد و با صراحت و جسارت از جابه جا شدن انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر سخن می گوید. گفتگوی ما با این استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی در اتاق مملو از کتابش انجام شد. خلاصه ای از این گفتگو را در ادامه با هم می خوانیم. - آقای دکتر در ابتدای مصاحبه بهتر است درباره ی وجه تسمیه کتاب «جابه جایی دو انقلاب» و ایده ای که پشت نام این کتاب بوده توضیح مقدماتی بفرمایید.

- باید بگویم که عنوان «جابه جایی دو انقلاب» در حقیقت سوال اصلی کتاب است. علت برگزیدن این سوال هم از این روست که به جد معتقدم انقلاب اسلامی باید قبل از انقلاب مشروطه اتفاق می افتاد. دو دلیل اصلی من برای این مدعا عبارتند از اینکه اولاً از منظر جامعه شناختی دین، جامعه شناسی دین به ما می گوید که هرچه به سمت قرن بیست و یکم پیش می رویم از نقش دین کاسته می شود و دوماً اینکه ما اول یک انقلاب سکولار داشتیم بعد یک انقلاب اسلامی. به طور طبیعی وقتی سکولاریسم به پیروزی می رسد دیگر محال است که جامعه ای دوباره به ایده های مذهبی بازگشت کند. بنابراین اینکه چرا ما صد سال بعد از یک انقلاب سکولار دوباره به آمال مذهبی بازگشتیم دغدغه ی اصلی این کتاب بوده است. ببینید جامعه ی ایران به نظر من جامعه ی پارادوکس هاست. شما وقتی به دقت به جامعه ایرانی نگاه می کنید درخواهید یافت که انگار این جامعه نعل وارونه به تاریخ می زند و مسیر جداگانه ای را طی می کند به نحوی که هر لحظه امکان بازگشتش وجود دارد. بنابراین داستان جابه جایی انقلاب در ایران خیلی پیچیده تر از این حرف هاست که به یک عنصر فرد کاسته شود. - درباره چرایی این جابجایی بریامن بگویید.

- من عوامل اصلی این جابجایی تاریخی را در سه محور خلاصه کرده ام؛ از لحاظ گفتمانی، از لحاظ متنی و از لحاظ کارگزاری. از لحاظ گفتمانی من فکر می کنم جامعه ایرانی تغییرات سترگی را خصوصاً در عرصه ی روشن فکری سپری کرده است. روشن فکران در حقیقت از طریق آمال سازی یک گفتمان مذهبی توانستند ایده‌های مذهبی را در قرن بیستم دوباره در ایران زنده کنند. بخشی از پروسه گفتمان های فرهنگی نظیر داستان نویسی، رمان، شعر و موسیقی در این که مذهب را تبدیل به یک عنصر بی نظیر در چشم انداز جامعه‌ی ایرانی کنند نقش داشتند. در واقع شعار اصلی ما در گفتمان روشنفکری قرن بیستم برخلاف تصور رایج آزادی نیست بلکه بازگشت به

خویشتن بوده است. از لحاظ متن هم که ما می بینیم روز به روز بر نقش مذهب شیعه در جامعه ایرانی افزوده شده است. این هم به واسطه ی این است که مذهب شیعه تقریباً یک مذهب مناسک محور و شعائری است و هرچه این مناسک و شعائر در جامعه ایران گسترده تر شد نقش مذهب پررنگ تر شد. و سرانجام کارگزاری هم به این معنا است که پهلوی ها هم نقش عمده‌ای در جابه جایی دو انقلاب در ایران داشتند. یعنی پهلوی‌ها در حقیقت علیرغم شعارهای مدرنی که می دادند، جامعه ی ایران را مستعد یک جامعه ی توده‌ای و شعاری بار آوردند.

- شما نیز همچون بسیاری از صاحب نظران علوم سیاسی، در کتاب خود عصر صفویه را یک نقطه عطف در تاریخ ایران دانسته اید و از تغییر شکل جامعه ایران طی سال های پس از عصر صفوی سخن گفته اید. با توجه به اشکال گوناگونی نظیر شبکه ای، توده ای، چطور ارزیابی می کنید؟

- محققین علوم سیاسی نظریات متعددی در مورد جامعه ایران ارائه کرده اند. من در کتاب «جابه جایی دو انقلاب» دو نظریه غالب پیرامون جامعه ایرانی یکی اینکه جامعه‌ی ایران طبقاتی است و دیگری اینکه جامعه ی ایرانی یک جامعه ی ضعیف است را رد کرده ام. من فکر می کنم تعبیر دقیق تر را ژول میگدال درباره ی جامعه ایران دارد. وی از الگویی استفاده می کند که در آن جوامع را بر پایه ی نوع رابطه ای که با دولت برقرار می کنند به چهار نوع تقسیم می کند. به نظر من درباره ی ایران آن مدلی صدق می کند که در آن رابطه ی دولت ضعیف و جامعه ی قوی برقرار است. به عبارت دیگر در این نوع رابطه ای که بین دولت و جامعه برقرار است یعنی دولت ضعیف و جامعه قوی،

روایتی از بازگونه‌گرایی تاریخی

نگاهی به کتاب «جابه جایی دو انقلاب»

تاریخی برای ایران رقم زد. رضاشاه برون داد چنین وضعیتی بود که آگاهانه کوشید تا سیطره مذهبی عالمان را با اقدامات نوسازانه تحلیل برد. تلاش هایی که جامعه ایرانی در بهمن ۱۳۵۷ با به چالش کشیدن آن ها آخرین مرحله از تجلی اجتماعی شیعه را به منصفه ظهور گذاشت. نویسندگان برآن است که جمهوری اسلامی به عنوان محصول مشروع انقلاب اسلامی، آخرین مرحله از اجتماعی شدن مذهب شیعه است و برای نخستین بار از پارادوکس هایی که از دوبارگی قدرت سیاسی و قدرت مذهبی نشأت می گرفت، دیگر نشانی نیست. اما نقاط گره جدیدی در این صورت بندی نوین از مذهب سربر آورده اند که دو گفتمان ایرانیّت و اسلامیت را در برابر هم قرار داده و پرسش هایی را مطرح ساخته است، که از روبرو شدن با آن ها گریزی نیست. آیا این رویارویی به خلق تحولات دیگر گون ره می پوید یا گفتمان رقیبی را با سودای ایجاد مدینه ای فاضله به معادلات جاری اضافه می کند. نویسنده اگر چه کوشیده است روایتی جدید از تاریخ اجتماعی شدن مذهب در ایران را بیان کند، اما این روایت، درگاه پرسش های بزرگ و تاکنون بی جوابی است که به امید کنکاش پژوهشگران دیگر در فضای علوم سیاسی رها شده است.

صفوی این آیین ها از باطن تشیع به صورت مناسک ظاهری جلوه گر می شوند. شاه اسماعیل به یکپارچه سازی عقیدتی پرداخت، شاه عباس و شاه طهماسب به مناسک چهره ای همگانی بخشیدند. شاه صفی جنبه ای درام به این شعائر و افزود و مقارن با ظهور شاهان ضعیف صفوی، مذهبی که تا پیش از صفویه در قلب عرفا مسکنت داشت، در متن جامعه و مستقل و بی نیاز از حمایت ملوکانه راه تعصب و خشک اندیشی در پیش گرفت. تا اوان انقلاب مشروطه، تشیع و طبقه حاملان اندیشه آن، علماً؛ به اندازه ای قدرت یافته بودند، که شاهان قاجار ناگزیر از پذیرش و به رسمیت شناختن آن بودند. اما چرا انقلاب مشروطه به جای انقلاب شیعی رخ داد؟ نویسندگان بر این عقیده است که علماً که اکنون با اجتماعی شدن مذهب به نوعی در کانون قدرت قرار گرفته بودند نتوانستند به صورت آنی خواست‌های سیاسی خود را صورت بندی کرده و از تحولات در سُرف و قوع سود جویند. این روشنفکران غیردینی بودند که با پاسخی آتی و شگرف انقلاب را به نفع خود مصادره نمودند. اتحاد و اختلاف بین روشنفکران و علما از همین امر ریشه گرفت؛ امری که سرنوشت

محدثه جزائی  
دکترای علوم سیاسی ۹۵

کتاب «جابه‌جایی دو انقلاب» با قلم مسحور کنندۀ مهدی نجف زاده در تابستان ۱۳۹۵ به چاپ رسید. این کتاب با طرح یک پرسش چالش برانگیز آغاز شده است. «چرا جامعه سنتی ایران در اوایل قرن بیستم، انقلاب عرفی از جنس مشروطیت را رقم زد و در اواخر این قرن، علی رغم مدرن شدن جامعه، انقلاب مذهبی را تجربه کرد؟» به باور نویسندگان، جامعه‌ی مشحون از تناقض ایرانی در کشاکش تاریخی خود، همواره غیرقابل پیش بینی و در خلاف جریان رویکردهای کلاسیک جامعه شناسی سیاسی در سیلان بوده است. پرسش از چرایی این بازگونه‌گرایی، نگارنده را به سوی پی جویی نشانه های اجتماعی مذهب در جامعه ایرانی در دالان‌های تاریخ و مبهم تاریخی سوق داده است. کتاب، مطابق با اغلب نوشته های علمی، با طرحی از گفتمان و روش علمی آغاز شده است. اما برخلاف همه آن ها نگارنده بیش از آن که دغدغه روش مندی اثر را داشته باشد، دل مشغول ظرایف نظری و نقد رویکردهای کلان روشی همچون پوزیتیویسم است. در جای جای



شانزدهمین انتخابات مدیران مسئول نشریات دانشجویی برگزار شد

شانزدهمین انتخابات مدیران مسئول نشریات دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد با مشارکت ۹۲/۵ درصدی واجدین اخذ رای دوشنبه ۹ اسفند ماه ۹۵ در دانشکده دامپزشکی برگزار شد. در این انتخابات که با حضور ۶۲ نفر از ۶۷ نفر از مدیران مسئول واجد شرایط برگزار شد؛ از ۶ نامزد انتخابات ۲ نفر به نفع نامزدهای دیگر انصراف دادند. نتایج آرای ماخوذه بدین شرح است: علی توکلی - ۳۵ رای نیما مجری سازان طوسی - ۳۲ رای محمدصادق اکبری نوقایی - ۲۸ رای ابوالفضل عباسی - ۲۸ رای بدین ترتیب آقایان علی توکلی و نیما مجری سازان طوسی به عنوان اعضای اصلی و آقای محمدصادق اکبری نوقایی به عنوان عضو علی البدل انتخاب شدند.



تمایز دولت و حکومت در زبان حقوق ایران

گزارشی از سخنرانی دکترسید جواد طباطبایی در همایش دولت پژوهی

افراد اتفاقی رخ نمی دهد. تاکید بر تداوم دولت که به کشور منتقل می شود و ورای اشخاص است، امری انتزاعی است که از بین نمی رود و همه به آن اعتقاد دارد. در ایران با توجه به کتاب و سنت، واژه حکم و حکومت به معنای داورى و قضاوت است و لاغیر. لذا هیچ سندی از کتاب و سنت وجود ندارد که حکومت را به معنای حکومت آورده باشد. این لغزش جدید است که گفته می شود در اسلام از ابتدا حکومت بوده است در حالی که وجود نداشت. نخستین حقوقدانان در زمان ناصرالدین شاه، حکومت را چند قسم می دانستند. یکی از آن ها حکومت منفرده بود که مردم حکم یک نفر را قبول می کنند که منظور از آن همان دولت است. قوای حکومت را به سه قوه قانونیه، اجرائیه و محاکماتی تقسیم می کردند که حالت دولت موقوف و منوط بر آن هاست. در اینجا برای اولین بار، از طریق منابع غربی تمایز میان دولت و حکومت ظاهر شد. ملکم خان حکومت را وجه تمایز میان توحش و تمدن می دانست و معتقد بود حکومت دستگاهی است میان یک ملت مه منشا امر و نهی است. وی حکومت را سلطنتی یا جمهوری می دانست و نه دولت را. او بر این امر اعتقاد داشت که حاکمیت از مردم ناشی می شود که حداقل، لازم است حاکمیت مورد قبول مردم قرار گیرد. محمدعلی فروغی که نخستین رساله در مورد حقوق اساسی را نگاشت، معتقد بود حکومتی که مبتنی بر قانون باشد، حکومت با اساس است که در اینجا دولت مشروطه را مطرح می کند. وی دولت را سلطنتی مستقل از حقوق و نظام های حقوقی می دانست. در اینجا نیز همچنان ابهام میان دولت و حکومت وجود دارد. مسعودالسلطنه عدل که قانون اساسی ایران را تفسیر کرد، معتقد بود حکومت دو معنای عمده دارد؛ در معنای اول، یک

حکومت تریبی که به موجب آن، اقتدارات سلطنتی مجرا می شود. وی وجود دولت را مفروض می دانست و نهادی را بازوی اجرایی آن می دانست. در معنای دوم قلمروی حکومت یک حاکم است. در اینجا دولت در دو معنا به کار می رود؛ معنای اصلی این است که دولت به لحاظ شکل می تواند سلطنتی باشد که در این صورت هیئت وزیران امور کشور را اداره می کنند و در این نوع دولت شاه از مسئولیت مبرا است. دولت تبلور قدرت و حاکمیت ملت در معنای دقیق آن است و حکومت، قوه اجرایی امور حاکمیت می باشد؛ یعنی مکان حاکمیت، دولت است. از میان حقوقدانان جدیدتر، دکتر قاسم زاده دولت را در معنای قدرت عالیه یعنی محل حاکمیت به کار برد و اظهار داشت قبل از سال ۱۳۲۴ هجری، ملت ایران از مزایای حکومت ملی محروم بود. یعنی حاکمیت در ایران از ملت ناشی نمی شد و سلطنت مطلقه بود. دکتر قاضی از نخستین کسانی است که این تمایز با دقبق تر توضیح داد. حکومت را سه معنا می دانست که عبارت بود از: عمل حکومت و رهبری، رژیم سیاسی و ارگان هایی که در عمل حکومت یک دولت کشور را بر عهده دارند که قوه اجرائیه گفته می شود. نتیجه ای که می گیریم این است که تا دهه اخیر، این مفاهیم در کشورها همچنان مهم است و حقوقدانان باید بتوانند معنای دقیق دولت و حکومت را تثبیت کنند. علاوه بر این، مسئله مهم دیگر این است که در ایران، نظام سیاسی به گونه ای است که که نمی دانیم دولت، رهبری است یا خیر. اصل بر این است که دولت همان رهبری است. یعنی شخصی در مقام اصلی تصمیم گیرنده نهایی است، رئیس دولت است. در حالی که رهبری در ایران، در این معنا، دولت نیست و حکومت است که بسیاری از تصمیمات در نهایت به دست اوست. دولت در ایران یا به عبارت دیگر حاکمیت ملی در ایران، هنوز مشخص نیست و اجماعی بر این نیست که محل حاکمیت در کجاست.

فرناز محمدیان کارشناسی ارشد حقوق ۹۵

دکتر سید جواد طباطبایی، استاد برجسته علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی، که در همایش ملی دولت پژوهی حضور داشت، به توضیح مختصر و جامعی در مورد مقاله خود پرداخت. ایشان اظهار کرد که کشور ما به لحاظ مفاهیم، کشور ابهام هاست و حدود و صغور بسیاری از مفاهیم بر ما روشن نیست. وقتی بر روی مفهوم دولت اجماعی نیست، بدیهی است در بسیاری موارد نمی دانیم در مورد چه صحبت می کنیم. این اشکال عمده در گذشته هم وجود داشته است. این دو واژه در گذشته به معنایی به کار می رفته که با معنای امروزی متفاوت است. متأسفانه بحث تاریخ و تحول مفاهیم در دانشگاه های ما مطرح نمی شود، چرا که وظیفه دانشگاه ها عمدتاً تولید کارمند سطح پایین است؛ در مورد این مفاهیم، اتفاق بسیار مهم مضمونی رخ داد که طبیعتاً حکومت به معنای سابق نیست، اما به درستی نمی دانیم فرقی این مفاهیم جدید در مقایسه با مفاهیم قدیم خود، چه تمایز اساسی دارد و نمی دانیم یا توجه به شکافی که در شرایط و زمان و مکان ایجاد شد چگونه مفهوم قدیمی حکومت به کلی خالی شده و از یک مضمون جدید پر شده است. قبل از پرداختن به توضیح ابهام دولت و حکومت، نظر حقوقدانان کشور را به این امر جلب می کنم که ما باید در جایی به اجماع برسیم که از این پس مشخص شود وقتی گفته می شود دولت، منظور چیست. دولت ما به ادعا در واقع حکومت است در حالی که دولت امر دیگری است و گرفتاری ما در مورد دولت است که نمی دانیم چیست. اولین کشوری که نظام حکومتی به معنای جدید ایجاد شد و از طرف دیگر اصطلاح سیاست تثبیت شد، یونان است که امری اجتماعی شکل گرفت که در جای دیگری نبود. واژه

طراحی و زندگی انسان

گزارشی از نشست طراحی و زندگی انسان

طراح بر محور انسان و به عنوان موجودی با شعور و آگاهی حرکت کند. در ادامه دو مهمان برنامه توضیحاتی را درباره جهانی شدن، و مشکلات این روند برای جامعه ایران ارائه دادند. به گفته امین وحیدیان، ما به طور ناگهانی وارد مسیر طراحی و دیزاین شدیم و از ابتدا در مسیر شکلی گیری این فرهنگ حضور نداشتیم و این مساله باعث شد تا بدون آگاهی، بسیاری از اتفاقات مربوط به دیزاین را قبول کنیم. احسان مهدوی با بیان اینکه پدیده مد باعث نابودی مساله دیزاین و طراحی می باشد، گفت: زمانی میتوانیم مد را بشکنیم که خلاق مد باشیم. به تعداد فرد به فرد آدم های ایرانی، دیزاین شخصی وجود دارد و تا زمانی که در این مسیر حرکت نکنیم و خود را به جریان مد بسپاریم و سر گرم آن باشیم به جایی نخواهیم رسید. انسان ها شبیه مورچه نیستند که بتوان بصورت تکثیری برای آن ها تولیداتی ارائه داد. به نظر او کسی که روی فرش ایرانی زندگی میکرده شخص مدرنی بوده و دوران گذشته ایرانی دوران مدرنیسم می داند. در انتهای بحث امین وحیدیان با اشاره به گستردگی فضای کاری ایران در حوزه طراحی صنعتی و گرافیک، گفت: صاحبان صنعت باید به خروجی دانشگاهی اعتماد کنند. فردی که ۶ سال از عمرش را در دانشگاه صرف یادگیری کرده، به طور قطع اندوخته ای ارزشمند دارد. احسان مهدوی نیز گفت: بزرگترین رسالت ما این است که از خودمان شروع کنیم و خود بخشی از طراحی باشیم. بعد از گفت و گوی مهمان ها حضار جلسه به مطرح کردن سوال های خود پرداختند و وارد بحث شدند.



الهام جعفری کارشناسی ریاضیات و کاربردها ۹۲

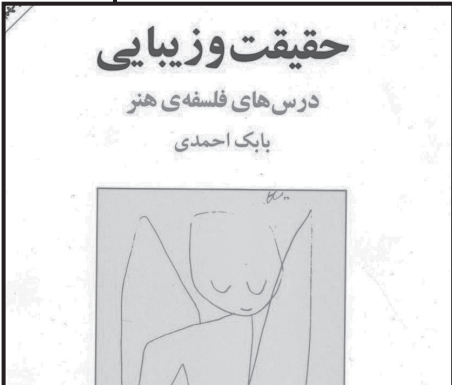
نیاز به فضایی برای گفت و گو بین طراحان، در مورد گرافیک و مسائل مرتبط با شهر و زندگی و تجربه انسان، شروعی برای شکل گیری سلسله نشست های طراحی و زندگی انسان بود. اولین جلسه، از این برنامه که به همت سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی مشهد و شرکت آونرد در تالار فردوسی مجتمع دکتر علی شریعتی برگزار شد، میزبان طراحان گرافیک و علاقه مندان به این حوزه بود. مهمان های این نشست احسان مهدوی و امین وحیدیان کامیار بودند که به بررسی و ارائه تعاریف متفاوتی از یک طراح (Designer) و نقش او در جامعه کنونی پرداختند. وحید عرفانیان، به عنوان مجری، برنامه را با این سوال آغاز کرد که بین طراحی و زندگی انسان چه ارتباطی وجود دارد؟ احسان مهدوی در پاسخ به این سوال چکیده ای از تمام تعاریف برای طراحی را ارائه داد: طراحی (دیزاین)، بخشی از زندگی ما و یک راه حل خوب است برای زندگی بهتر، تا مانند یک انسان، با آگاهی و شعور زندگی کنیم. به گفته ی امین وحیدیان دیزاین در زندگی ما از صبح شروع می شود و تا شب ادامه دارد. ساعتی که زنگ می زند، شیر آب و .. آشنایاتی طراحی شده اند. به آنها نیاز داریم و ابزار کار ما هستند. فاکتورهای زیادی موثرند تا شاخص دیزاین به سمت مهندسی یا هنر پیش رود. دوره ای از ایران فاکتورهایی مانند عدم زیرساخت های مناسب، اقتصاد شکست خورده از جنگ و .. باعث شد تا ما به حداقل هایی راضی باشیم، و به سمت دیزاین حداقلی و مهندسی حداکثری پیشروی کنیم. وحید عرفانیان در این بین افزود: هر جایی با اقتصاد ضعیف همراه است لزوم بر هنری فقیر نیست. احسان مهدوی با وی با بیان این مطلب که طراحی ما همپای اقتصاد و تکنولوژی پیشرفت نکرده، گفت: در نمایشگاههای کالاهای ایرانی، نشانه ای از طراحی ایرانی در این کالا ها وجود ندارد. به گفته او ما بدون هنر نمی توانیم زندگی کنیم، نقاشی، مجسمه سازی و .. برای این است که انسان را از زندگی تبعیدی (از روستا به شهر) نجات بخشد. و چون هنر ناب به طور مستقیم وارد زندگی ما نیست، یک طراح، آن را وارد اجتماع و مردم می کند و در یک شی روح می دم. او مشکل ما را یک اتمسفر اجتماعی می داند. اجتماع ما هنوز به این ظرفیت نرسیده که بداند ما می خواهیم بهتر زندگی کنیم نه اینکه صرفاً زنده بمانیم. تفاوت عمده مساله دیزاین در ایران با کشورهای خارجی این است که ما همه چیز را بر اساس کل کرد زندگی می بینیم و این به دیزاین لطمه خواهد زد. در ایران جای این مساله خالیست که یک

سیر تاپیاز سازمان دانشجویان در سال ۹۵

استان اصفهان. کارگاه های «بازیگری» و «مبانی نقد فیلم»، همایش «موسیقی ایرانی» و مسابقه نمایشنامه خوانی «یک، دو، سه امتحان می کنیم» از جمله برنامه های هنری سازمان دانشجویان بود. کارگاه های «داستان کوتاه» و «تفکر انتقادی»، «بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی»، «رومانیای از کتاب بهترین شکل ممکن (آخرین اثر مصطفی مستور)»، «سلسله جلسات مثنوی خوانی» و ... از جمله برنامه های ادبی سازمان دانشجویان در سال ۹۵ بوده است. میزگرد «این کشتی پر اسرار» با حضور حجت الاسلام درایتی و محمدجواد آرین منش، مناظره «آزادی مطبوعات» با حضور آقایان رحمانیان و جمالی و مناظره «از برای آزادی» با حضور دکتر فراهانی و خانم الهیان نیز از دیگر برنامه های سیاسی و اجتماعی سازمان دانشجویان در سال ۹۵ بوده است. در این سال نیز همچون سال های گذشته، سازمان دانشجویان با معرفی بیش از ۳۰ عنوان کتاب در قالب سلسله جلسات معرفی کتاب، نقش قابل توجهی در این حوزه داشته است. سازمان دانشجویان در آذرماه برای دانشجویان و اعضای تحصیلات تکمیلی خود، کارگاه «پروپوزال نویسی» را برگزار کرد که پاسخی بود به نیازهای علمی دانشجویان. آذر، ماه کامیابی تیم «ساتراپ» نماینده سازمان دانشجویان بود با کسب مقام سوم مرحله کشوری پنجمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران پس از یک هفته مناظرات چالشی با ۱۵ تیم برتر دانشگاه های کشور از میان ۵۵۰ تیم دانشجویی. در اواخر همین ماه بود که «وقایع اتفاقیه» توانست با کسب ۴ تندیس پرافتخارترین نشریه دانشگاه فردوسی شود. سخنرانی سردار محسن رفیق دوست و مهندس ابراهیم اصغرزاده از فعالین انقلاب اسلامی در برنامه «۳۸ سالگی» از جمله برنامه های مناسبتی سازمان دانشجویان بودند که با بیان ناگفته هایی از این ۳۸ سال همراه بود. بهمن ماه و سردی هوا با برگزاری مناظره داغ «راه طی شده» و سخنان داغ تر صادق زیباکلام توام شد. اکران دو فیلم موفق جشنواره فجر یعنی «سد معبر» و «ویلاهی ها» که با حضور عوامل این دو فیلم برگزار شد مورد استقبال عموم دانشجویان قرار گرفت. روزهای آخر سال فرا رسیده و سازمان دانشجویان بنا بر سنت هر ساله در حال رتق و فتق اردوهای جهادی است؛ این بار در روستای محروم محمدزورآب بردسکن.

پریسا فتاحی کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی ۹۲

سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی به عنوان مجموعه ای دانشجویی که به گواه موافق و مخالف، منظم ترین مجموعه دانشجویی دانشگاه فردوسی است، سال پر کار و شلوغی را پشت سر گذاشته است. برگزاری بیش از ۹۴ طرح فرهنگی تا پیش از نیمه اسفند در سرفصل های متنوعی از جمله دین و قرآن (۱۰٪)، ادب و هنر (۱۵٪)، کتاب و کتابخوانی (۱۴٪)، علم و اندیشه (۱۹٪)، سیاست و اجتماع (۲۴٪)، محرومیت زدایی (۷٪)، گردشگری علمی و فرهنگی (۷٪)، فوق برنامه (۴٪) بخشی از عملکرد اجرایی این مجموعه در این سال بوده است. دانشجویان عضو سازمان دانشجویان، هریک به دنبال دغدغه و علایق خود، برنامه ها و جلساتی را برگزار کردند و در عرصه های مختلفی شرکت کردند که در ادامه متن به اجمال پیرامون برخی از آن ها می نویسم. فروردین ۹۵ دفتر سازمان دانشجویان در دانشکده ادبیات، مناظره داغی پیرامون جایگاه «زنان در مجلس» با حضور الهه کولایی (فعال سیاسی اصلاح طلب) و غفت شریعتی (فعال سیاسی اصولگرا) ترتیب داد که انعکاس رسانه ای گسترده ای یافت. «دوباره سبز می شوی» برنامه پاکسازی طبیعت اطراف مشهد بود که با استقبال دانشجویان در اردیبهشت ماه نیز مواجه شد. «مرحله استانی پنجمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران» برنامه ای مهیج و سنگین در گسترش فضای مطالعه، گفتگو و آزاداندیشی بود که با حضور ۲۴ تیم از شهرهای دور و نزدیک استان در اوایل اردیبهشت برگزار شد. از جمله برنامه های کاربردی سازمان دانشجویان در بهار، برگزاری «کارگاه آتش نشانی و آشنایی با ادوات اطفاء حریق» بود که با ارائه گواهینامه به شرکت کنندگان پایان یافت. «گسست فرهنگی و شکاف نسلی در ایران» عنوان نشست در اردیبهشت ماه بود که در آن اساتید سرشناسی همچون دکتر معیدفر، حجت الاسلام دکتر اورعی و دکتر فیاض زاهد در دانشکده ادبیات به ایراد سخنرانی پرداختند. آغاز سال تحصیلی جدید در پاییز ۹۵ همراه بود با اردوی کویری «دریای خاک» و سفر ۳ روزه دانشجویان دانشگاه های مشهد به کویر مصر در



**امیر قاسمیان مقدم (کارشناسی مکانیک ۹۴)**، سعی کردیم در این شماره اتفاقات سالانه ی تئاتری و بالأخص تئاتری دانشگاه را بررسی کنیم. بد نیست در این چند خط به فعالیت تئاتری نشریه خودمان هم گریزی بزنیم. ما هم به نوبه ی خود سعی کردیم چیزی را خلق کنیم که پیش تر صحبتی از آن نبوده است. و بررسی کنیم علل و حوادث تئاتری را و بالأخص تئاتر مولد دانشگاه را. سعی بر این است که در سال آینده به طور جدی تر به مباحث تئاتری بپردازیم و علاوه بر آن سراغ چیزی برویم که شامل همه ی زیرشاخه های هنر است و آن بحث زیبایی شناسی هنر و فلسفه ی آن است. که مطلب سنگین و پیچیده ایست و تلاش می کنیم تا حد توان جلو برویم و شیوه ای که برای آن برگزیده ایم جلو رفتن با یک کتاب مرجع است. «حقیقت و زیبایی» به قلم بابک احمدی که تا کنون سی و یک بار به چاپ رسیده است. به جای معرفی اجمالی چندین کتاب در طی شماره های نشریه، در سال آتی این کتاب را به طور عمیق و شاید مؤثرتر بررسی خواهیم کرد.

## نگاهی به صحنه؛ در سالی که گذشت... گزارشی از اتفاقات تئاتر دانشگاهی سال ۱۳۹۵



استقبال دانشجویان از تئاتر، از این آب ننوشید،

که به کارگردانی آروین فتحی به روی صحنه رفت و با استقبال بسیار خوب مخاطبین رو به رو شد. آخرین اجرا از این سه گانه، نمایش «از این آب ننوشید» به کارگردانی الهه خواجه توانست با جذب تعداد کثیری مخاطب، رکوردهای سال های گذشته را جابه جا کند و حتی در چهارمین شب اجرا پذیرای ۴۵۰ نفر مخاطب در تالار رودکی باشد. خیر دیگری که در این ایام به گوش رسید، خیر انتخاب کانون تئاتر دانشگاه فردوسی به عنوان کانون برگزیده کشور برای سومین بار پیایی در سال های اخیر بود. «اولین تئاتر به زبان فرانسوی یا زیرنویس فارسی» اتفاق جدیدی بود که به آراستگی سال ۹۵ کمک شایانی کرد. تئاتر «اخترک ب ۶۱۲» به نویسندگی و کارگردانی فرزوان غفاریان و به همت انجمن علمی زبان و ادبیات فرانسوی به انجام رسید. و اما آخرین اجرای سال ۹۵ در آخرین ماه این سال «خدای کشتار» بود. «خدای کشتار» متنی است از یاسمینا رضا، نمایشنامه نویس فرانسوی و به کارگردانی علیرضا ربیعی که در هفته ی سوم اسفند روی صحنه رفت.

حال ، تئاتر شهر مشهد در سال ۹۵ فراز و نشیب های زیادی داشت و شادی و سوگ های زیادی را به خود دید. شادی هایی از قبیل تعهد کارهای اجرا شده و موفقیت درصد کثیری از آنها در گیشه، شادی هایی از قبیل کسب هفت عنوان در جشنواره ی فجر کشوری توسط آثار ارسالی از مشهد و اما اندوهی از جنس از دست دادن استاد سید رضا کمال علوی... در نهایت می توان گفت که سال ۹۵ برای تئاتر دانشگاه، در کنار تمام نواقص، کاستی ها و اشکالات موجود، سالی پر بار بوده است. افزایش قابل توجه اقبال دانشجویان نسبت به تئاتر، خود گواهی بر این مدعا است. امید است که با فعالیت هرچه بیشتر و بهتر اعضای خانواده ی تئاتر دانشگاهی، نواقص موجود برطرف شده، روند رو به رشد فعلی ادامه پیدا کرده، و موفقیت های کسب شده در جشنواره های کشوری (چه دانشگاهی و چه غیردانشگاهی) افزایش یابد.

و نمایشنامه نویسی (به تدریس علی دلوری) کانون تئاتر دانشگاه فردوسی نیز در همین زمان در چندین کد آغاز شدند. در آبان ماه ۹۵، مخاطبین تئاتر دانشگاه، شاهد اجرای «رد خون» اولین کار بلند کمیل خطیب، از هنرجویان سال قبل کلاس های نمایشنامه نویسی کانون، بودند. در همین حین کارگاه فنون بیان تحت تدریس علی زکریایی در کانون تئاتر دانشگاه علوم پزشکی در حال برگزاری بود.

آذر ماه ۹۵، ماهی پر شور و به یادماندنی برای تئاتر دانشگاهی و کانون تئاتر دانشگاه فردوسی محسوب می شود. سه نمایش به اجرا درآمده در این ماه مجموعاً توانستند پای بالغ بر ۴۵۰۰ نفر مخاطب را به آمفی تئاتر بردیس باز کنند. اولین اثر به اجرا درآمده در این ماه، تئاتر «الطف» به کارگردانی فواد زیدانلویی بود که با فرمی فیزیکیال به روایت واقعه عاشورا می پرداخت. دو اجرای دیگر، پروژه ی پایان بندی کلاس های بازیگری سال گذشته کانون تئاتر دانشگاه فردوسی تحت سرپرستی آقای امیر نجفی بودند. «آرسنیک و تور کهنه»

به خاطر قوانین محدود کننده حضور دانشجویان غیرفردوسی به روی صحنه ی دانشگاه بود. اندکی پس از کسب دو عنوان برتر در جشنواره تئاترهای کوتاه، کانون تئاتر دانشگاه علوم پزشکی تنها کار بلند صحنه ای خود را در سال ۹۵ به کارگردانی جلال شهبازنژاد و در آمفی تئاتر دانشکده دندانپزشکی به اجرا درآورد. تابستان امسال نیز، تنها، میزبان کارگاه بازیگری تشکیل شده در دانشگاه علوم پزشکی با نام خلاقانه ی «کارگاه کارگری معدن» به تدریس عرفان شیررنگی در دانشگاه علوم پزشکی بود.

کانون تئاتر دانشگاه فردوسی، تحت مدیریت تیم جدید شورای مرکزی، با اجرای تئاتر «طلوع سفید» سال تحصیلی جدید را آغاز کرد. «طلوع سفید» به نویسندگی فؤاد زیدانلویی و کارگردانی سارا یکه باش، پس از حضور موفقیت آمیز و استقبال خوب مخاطبین در جشنواره خوانش استانی، در تالار رودکی (آمفی تئاتر بردیس) به اجرا درآمد. کلاس های بازیگری (به تدریس سروش زاغیان)، کارگردانی (به تدریس سیدجواد اشکذری، رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان)

**بابک علانی**  
کارشناسی ادبیات انگلیسی ۹۳

با نزدیک شدن به پایان سال ، مقتضی است نگاهی به اتفاقات تئاتری مشهد مقدس و بالاخص کارنامه ی هنرمندان تئاتر دانشگاهی فعال در پردیس دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی بیندازیم. در سال ۹۵ مجموعاً نه اثر به روی صحنه ی سالن های دانشگاه رفت که از این تعداد هفت اجرا در کانون تئاتر دانشگاه فردوسی، یک اجرا در انجمن علمی زبان فرانسه دانشگاه فردوسی و یک اجرا در کانون تئاتر دانشگاه علوم پزشکی تولید شده بود. که البته میانگین یک اجرا در هر ماه، طی سال های اخیر، در نوع خود بی سابقه است. علاوه بر این نه اجرا، هفت دوره کلاس های آموزشی نیز به طور کامل برگزار شد. پنج دوره از این کلاس ها به کانون تئاتر دانشگاه فردوسی در سه رشته کارگردانی، بازیگری و نویسندگی و دو دوره بازیگری و فنون بیان به کانون تئاتر دانشگاه علوم پزشکی اختصاص داشت. طی این نوشتار، به ترتیب زمانی و مختصراً به هریک از این اتفاقات می پردازیم.

سال ۹۵ با اجرای نمایش «فنز» در اواسط اردیبهشت آغاز شد. شاخصه ای که نمایش « فنز» را از دیگر اجراهای امسال جدا می کند، حضور آقای امیر نجفی، مدرس چندین ساله ی کانون تئاتر دانشگاه فردوسی، در کسوت کارگردان و بازیگر در این کار بود. این اثر که با استقبال خوب مخاطبین مواجه شد پس از پنج اجرا به کار خود بر روی صحنه ی آمفی تئاتر بردیس پایان داد. پنجمین جشنواره تئاتر کوتاه نیز امسال به رسم همیشه در اردیبهشت برگزار شد. این دوره از جشنواره به دلیل رویکرد جدیدش و شیوه ی متفاوت داوری ( بر اساس آراء مخاطبین)، با بازخورد های متفاوت من جمله انتقادات شدید و در عین حال تحسین هایی رو به رو شد. ناگهانی ترین اتفاق این دوره ی جشنواره، حذف نابهنگام دو گروه نمایشی دقیقاً در روز اجرایشان بود که همگان را در بهت فروبرد. این اتفاقات

## چهار گانه!

**گفتاری از برای گزینش سه باره ی کانون تئاتر دانشگاه فردوسی به عنوان برترین کانون تئاتر کشور**

دانشگاه می افتد که در سال یا سال های بعد، روند آن ادامه پیدا می کند. این مثبت ترین چیزی است که می توان برای یک فعالیت داوطلبانه در نظر گرفت. در کنار این، چیزهایی هم که از قبل روند داشت، ادامه پیدا کرد. مثل جشنواره ی تئاتر کوتاه دانشگاه فردوسی، «چه چیزهایی باعث ایجاد این روند شده اند؟» همان طور که گفتیم، ریشه ی تمام این اتفاقات مثبت، از آموزش، نشأت می گیرد. کانون تئاتر، از پنج سال پیش، به طور مستمر و با یک روند تدریس، کلاس های آموزشی خود را شروع کرد و روند حفظ شده است. مثلاً خط مشی کلاس بازیگری این است که هر سال، دو ترم مقدماتی و پیش رفته برگزار می شود و در طی آن، کسانی که گمان می برند علاقه یا استعدادی در این زمینه دارند، وارد فضا می شوند. آموزش یافته و اصطلاحاً «الک» و وارد صحنه می شوند. در گذر زمان و پس از دیدن آموزش های لازم، اعضای نمایش نامه نویسی، کارگردانی و بازیگری، باهم شروع به کار بستن می کنند که منجر به اجرایی مثل «کسی نیست مرا به خاک بسپارد» می شود. کاری خالص و مستقل از کانون تئاتر و متشکل از همین هنرجوها که در عین ناباوری در رویش مقام هم می آورد. این نتیجه ی آموزش صحیح است.

### سخن آخر

اگر در این فضا، ظرفیت وجود دارد. نشان دهنده ی این است که ما نیاز به «آموزش هنر» داریم. که جای خالی آن حس می شود. ما نمی توانیم و اصلاً حق نداریم که در جایی، با توجه به سلیقه ی شخصی خود. جلوی رشد افرادی را بگیریم. این یک سخن کلی است که متوجه همه ی ماست. «خواستند ما را دفن کنند غافل از اینکه ما خود بذر بودیم...»

درد که به دانشجو کمک کند و جلوی کار او را هم نگیرد، در رشد آن کانون بسیار مفید است. کما این که دانشگاه ما سالانه از این اساتید بهره می برد.

### گمانه زنی دبیر کانون تئاتر، از دلیل برگزیده شدن

عاملی می گوید: «حدس می زرم یکی از دلایل گزینش ما، وجود و ایجاد فضای خلاق است. پارسال اتفاقی برای اولین بار در کانون تئاتر افتاد که شامل: یک خروجی کارگاه کارگردانی آقای عرفان شیررنگی بود که منجر به سه اجرای محیطی شد و در شاکله ی کانون تئاتر و مخاطبان آن، عجیب می نمود که فکر می کردیم فقط تئاتر را باید از روی صندلی و در مقابل سن ببینیم و در جشنواره ی «تجربه های کوچک اجرا» که در دانشگاه و با همین منظور اجرا شد. حدود چهل دانشجو، این چنین اجرایی را تجربه کردند. ما در ده سال گذشته، در سطح شهر حتی یک اجرای محیطی نداشتیم. این با پرفورمنس و این ها تفاوت دارد. اجرای محیطی تعریف خودش را دارد: اجرایی که مفهومش را از یک محیط بگیرد، بر اساس آن طراحی کند و به طور کنش واکنشی، مخاطب درگیر اجرا شود. ثمره ی آن این می شود: از سه کاری که با این شیوه به جشنواره فرستادیم، دو تای آن در رویش کشوری رتبه می آورد. دو اجرای رادیویی بود که در فضای مجازی به مخاطبان عرضه شد. سه اجرای عروسکی «ماچوجه» که نویسنده و کارگردان آن از اعضای خود کانون تئاتر بودند. برخلاف سایر کانون های تئاتر که خیلی راحت یک متن آماده را انتخاب و آن را کار می کردند.

چهار اجرای عاشورایی «خونابه» که یک کار فیزیکیال خیلی ابتدایی بود، اما سنگ بنای تئاتر «الطف» در امسال بود که به طور خیلی جدی پرداخته و اجرا شد. یعنی اتفاقی در

که اینقدر ما را قوی ساخته است.

### اصلاً «رویش کشوری» چیست؟

وزارت علوم، این جشنواره را با هدف ایجاد فضای رقابتی بین فعالیت های متفاوت دانش گاه های کشور، ایجاد ارتباط بین دانشگاه ها، برگزیدن آن ها و کشف استعداد ها، به طور سالانه برگزار می کند (که دانشگاه فردوسی هم این جشنواره را در سطح دانشگاهی به اجرا می برد). سال جاری این جشنواره در دانشگاه «امیرکبیر» برگزار شد (و انتقادات زیادی هم در کیفیت میزبانی به آن وارد شد). که در طی آن، کانون تئاتر دانشگاه، برترین کانون تئاتر و خود دانشگاه فردوسی هم، با مجموع پانزده مقام، در میان دانشگاه ها برگزیده شد.

### جایگاه دانشگاه طی سه دوره ی گذشته

طی سه دوره به دبیری آقایان افشار، کشاورز و اشبگ، برترین کشور شناخته شدیم. این برتری با روند جالبی اتفاق می افتد، چون نسبت به شاخص های داوری و شاخص های وزارت علوم، دانشگاه ما هر ساله فاصله ی خود را با بقیه دانشگاه ها بیشتر می کند. این را از تعداد مقام های کانون، (در بخش های متفاوت تئاتر که از یک، به دو و از دو به چهار عدد ارتقاء یافت) و همچنین از بازخورد داورها و بقیه مخاطبین (دبیران سایر کانون های کشور) متوجه می شدیم. عاملی می گوید: پس از مقایسه ی ریز برنامه ها، این جمله را می شنیدیم که در کانون تئاتر فردوسی، «روندی ثابت» وجود دارد. داورها هم می گفتند که علاوه بر کیفیت طرح ها، بحث تدریس علمی مباحث تئاتری در دانشگاه خیلی خوب است. وزارت علوم پس از جشنواره، بیانیه ای را از طرف داوران صادر کرد که بخشی از آن به این مفهوم اشاره می کرد که: کانون هایی که در آن، «استاد مشاور» وجود

**سید داود شالرفروشان**  
کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۴

اخبارش پیچیده بود. به حق هم پیچیده بود. با وجود فضاهای مناسب در تهران و دیگر کلان شهرها، این ما مشهدی ها بودیم که توانستیم سه سال پیایی برترین شویم و با کسب «چهار مقام» در جشنواره ی رویش کشوری، «پرافتخارترین کانون تئاتر کشور» لقب بگیریم و هر کسی می داند که وقتی سه سال یک اتفاق می افتد، دیگر اتفاق نیست. به سراغ آرمین اشبگ، دبیر وقت کانون تئاتر (سال تحصیلی ۹۴-۹۵) و امیرحسین عاملی، دبیر کنونی کانون رفتن تا از چند و چون ماجرا بیشتر آگاه شویم و چکیده ی گپ و گفت ها تقدیم شما عزیزان می گردد:

«کانون تئاتر دانشگاه فردوسی، مطمئن ترین مکان برای رشد تئاتر دانشجویی این شهر است. چرا که با کمال تأسف، شهر مشهد با وجود تعداد بسیاری از دانشجویان که به شدت به رشته های بازیگری، کارگردانی و نویسندگی تئاتر علاقه مندند، از عدم وجود یک دانشکده ی دولتی هنر رنج می برد، اما بار این کمیود امکانات را -تا سر حد توان- دانشجویان علاقه مند، که در کانون تئاتر دانشگاه فعالند، به دوش می کشند و البته این مقصود بدون استفاده از اساتیدی که خود جوانند و از جنس دانشجویان همین دانشگاه و به صورت آکادمیک و نه صرفاً تجربی این رشته را دنبال می کنند، هرگز میسر نمی گردد.»

چند خط بالا، پای ما را به داستان باز می کند و دوباره یاد «کانون مظلوم تر از تئاتر دانشگاه» هم می افتیم و دوباره یادمان می آید که چقدر باید از جناب محدودیت ها، ممنون باشیم

## نمایش کمدی موزیکال «ترمیناتور» به روی صحنه می‌رود.



این نمایش از ۱۵ اسفندماه هر روز ساعت ۱۸ اجرا خواهد شد. «ترمیناتور» را مصطفی رجب‌زاده به رشته تحریر درآورده است و خود نیز آن را کارگردانی می‌کند. در این نمایش علی جوانمرد، شهرام صالحی، شاهرخ کریمی، احمد افشان، نسرين دادگر، شیرین مهلوجی، ریحانه هاشمیان، پروانه خالقی، نیلوفر وصالی، مریم زبانی و محمد تقی‌نژاد به ایفای نقش می‌پردازند. فرهنگسرای فناوری و رسانه در بلوار هفت تیر، میدان هشت شهریور، انتهای بوستان لاله واقع شده است.

## ۱+۵

### یک هم اندیشی با اعضای کانون تئاتر

نمایش هاست که بدون پرداخت دقیق به جزئیات هنری و خلاقه ی اثر نمایشی به صحنه رسیده اند چرا که صرفاً یکی یا چند تن از عوامل آن نمایش از با سابقه های تئاتر مشهد هستند.

**عاملی:** کیفیت پایین اجراها و رضایت به وضع فعلی.

**فیاضی:** به تازه واردها فرصت وارد شدن و دیده شدن رو نمی‌دهند و گارد دارند در مقابل اونها (در واقع ماها) و این مسئله مخصوصاً در جشنواره هایی که در سطح شهر برگزار می‌شود پررنگ تر است.

**سؤال چهارم:** چشم انداز پنج ساله ی تئاتر دانشگاه را چگونه می بینید؟

**زاغیان:** اگر نتایجی که از فعالیت‌های ۵ سال گذشته (با تلاش آقای امیر نجفی و اعضای کانون تئاتر) بدست آمده است ادامه دار باشد، شاهد رشد سطح کیفی نمایش‌ها و افزایش تعداد تماشاچی و اجراها در ۵ سال آینده ی دانشگاه خواهیم بود.

**یکه باش:** قطعاً ایجاد زیر ساخت های فرهنگی به منظور تسهیل در تولید و اجرا قاعدتاً باید مد نظر باشد .

**اشبگ:** روندی که در کانون تئاتر دانشگاه در جریان است، همواره و همواره طی پنج سال گذشته کاملاً رو به رشد و صعودی بوده و قطعاً این روند با همین شیب و حتی شاید با شیبی بیشتر ادامه خواهد داشت .

**عاملی:** واقعاً نمی‌شود چشم اندازی مد نظر گرفت . اگر کانون تئاتر روند شکل‌گرفته ی خودش را حفظ کند، اگر تیم‌های اجرایی بعدی بهتر از سابق فعالیت کنند، اگر مسئولین فرهنگی و نظارتی بیش از پیش کمک کنند، اگر فضای هنری و علمی مشهد گشایش پیدا کند و هزار اگر خوب اگر پیش بیاد، امید به «دپارتمان تئاتر» می‌توان داشت.

**فیاضی:** اگر این فضا و پتانسیل خوبی که اکنون در دانشگاه به وجود اومده با جدیت و نظم حفظ شود و حداکثر استفاده را ببریم، شاید روزی برسد که همه ی بیست و چند هزار نفر دانشجوی دانشگاه مخاطب دائمی تئاتر شوند و به تبع، تعداد اجراهای بیشتری و اجراهای حرفه ای تر و عالی تری را داشته باشیم.

**عاملی:** بالا رفتن کیفیت اجراها ، شیوه‌های جدید تبلیغاتی و معرفی بهتر کارها چه محیطی و چه مجازی، شناخته‌شدن کانون تئاتر نسبت به گذشته و کسب سرمایه‌ی اجتماعی روزافزون و همچنین گرایش‌های جدید به هنرهای نمایشی.

**فیاضی:** جا افتادن تئاتر و تماشای آن در دانشگاه، که آن هم دلایلی دارد مثل اجراهای خوب، تبلیغات وسیع یا روش های جدید و متنوع ( تنها به نثر و بوستر و...اکتفا نکردن و اینکه وقت بیشتری روی تبلیغات گذاشته می‌شود و...) از تلاش های چند ساله ی استاد نجفی نیز نباید چشم پوشید.

**سؤال سوم:** مهم ترین نقص تئاتری های مشهد، چیست؟

**زاغیان:** اگر سردبیر محترم نشریه وقایع اتفاقیه موافق باشند، بنده این سوال را به «مهم‌ترین نقص تئاتر مشهد» تغییر می‌دهم تا نتیجه‌ی بهتری از آب درآید، و پاسخ آن اینکه: «نبود رشته‌ی کارشناسی هنرهای نمایشی در هیچ یک از دانشگاه‌های مشهد» که با توجه به سطح آموزش، تعداد تماشاچی و میزان اجرا در شهر مشهد غیبت این رشته کاملاً محسوس است.

**یکه باش:** این سؤال نقص قتی دارد!

**اشبگ:** عدم اعتماد آنها به توانایی گروه های نوپا و جوان و در یک کلمه تئاتر دانشجویی است. صریح تر اگر گفته باشم ما در تئاتر شهر برای به اجرا رساندن یک نمایش با سدی به نام بازبینی شورای هیئت نظارت رو به رو هستیم که بیشتر تمرکزشان بر شناخته شده بودن عوامل گروه نمایشی است تا کیفیت اثر. و دیگر اینکه متأسفانه افرادی که در این هیئت به بازبینی آثار می‌پردازند افرادی شاید به ظاهر با تجربه ی بالا اما به دور از دانش روز تئاتر و متون با کیفیت غربی هستند و صرفاً تمرکزشان بر گونه‌های خاصی از نمایش هاست که با سلیقه ی خودشان سازگار ترست. البته این گفته ی من به معنای این نیست که ما در مشهد نمایش با کیفیت به روی صحنه ها نمی‌بینیم اما به این معنی هست که بسیاری از نمایش‌هایی که در مرحله ی بازبینی اجرای عموم متوقف می‌شوند؛ عمدتاً با کیفیت تر از بسیاری از

سنگ بنای این یادبود نیز باید یادکرد. **عاملی:** آذر ماه تئاتری! ۱۴ شب اجرا. ۳۰۰۰ مخاطب!

**فیاضی:** به نظر من دو چیز بودند، برتری کانون تئاتر دانش گاه برای چندمین بار در کشور و استقبال بی سابقه از تئاتر های اجرا شده.

**سؤال دوم:** دلیل افزایش اقبال دانش جویان به تئاتر چیست؟

**زاغیان:** تبلیغات مهندسی شده (به خصوص در فضای مجازی)، و مهم‌تر از آن افزایش سطح کیفی کلاس‌های آموزشی و اجراهایی که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد.

**یکه باش:** اول باید سنجیده بشود که ایا واقعا استقبال بیشتر شده یا نه این فقط تصور ماست!! در این که در سالهای اخیر تولیدات کانون تئاتر دانشگاه فردوسی به عنوان متولی هنرهای نمایشی در سطح دانشگاه بسیار چشمگیرتر از سالهای گذشته است هیچ شکی نیست. اما آیا استقبال هم به همین نسبت زیاد شده است؟! بر اساس خاطراتی که از فعالین این حوزه در سالهای گذشته شنیدم، دانشگاه فردوسی در سال‌های نه چندان دور شاهد جمعیتی از تماشاچیان بوده است که تیم اجرایی را مجبور کرده است در یک روز دو اجرا داشته باشند. البته این حرف من به این معنا نیست که این روزها استقبال کم است، خیر! حرف من این است که معرفی، به خوبی و به تناسب محیط صورت نمی‌گیرد و این ضعف است. به هر حال قطعاً جزئیاتی در این امر وجود دارد که به مرور زمان تصحیح می‌شود و تئاتر برای همه دانشجویان جالب توجه خواهد شد.

**اشبگ:** اهمیت بخشیدن به کلاس های بازیگری که به طور منظم از سال ۱۳۹۰ و به طور منظم تر و با کیفیت بیشتر از سال ۱۳۹۳، آغاز گردید مهم ترین عامل این استقبال است. چرا که کلاس های بازیگری کانون تئاتر همواره و همواره با رویکرد خروجی گرا برگزار شده است و همواره این حاشیه ی امنیت برای هنرجویان کارگاه ها وجود داشته است که هنرجو بعد از گذراندن سطح های مقدماتی و پیشرفته ی کلاس‌ها به روی صحنه می‌رسد و همین موضوع مهمترین علت استقبال از کارگاه‌ها و به دنبال آن استقبال از تئاتر در دانشگاه است.



سید داود شالفروشان  
کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۴

در آستانه ی سال جدید و سالی که به انتخابات سیاسی ایران منجر می‌شود، ما هم به سراغ چند تن از اعضای فعال کانون تئاتر دانشگاه رفتیم تا یک رأی گیری (یا مصاحبه ی کوتاه) پنج نفره داشته باشیم. با این شیوه که از هر یک از دوستان چهار سؤال پرسیدیم و چهار جواب نسبتاً کوتاه شنیدیم. دوستانی که به سراغشان رفتیم عبارتند از: سروش زاغیان (مدرس کلاس های بازیگری کانون تئاتر دانش گاه)، سارا یکه باش. (دبیر شورای هماهنگی کانون های فرهنگی-هنری-اجتماعی. کارگردان تئاتر «طلوع سفید»). آرمین اشبگ. (دبیر سابق کانون تئاتر دانشگاه. بازیگر تئاتر «خدای کشتار»). امیرحسین عاملی(دبیر کنونی کانون تئاتر). پویا فیاضی (بازیگر تئاتر های «فنز»، «رد خون» و...). دوست داشتیم نظرات جمع بیشتری را جویا شویم، اما به دلیل مشغله های دوستان و فشردگی زمان بندی و مطالب این شماره، به همین تعداد بسنده کردیم. (لازم به گفتن است که این نظرسنجی‌ها، به صورت جداگانه از افراد گرفته شده است.)

**سؤال یکم:** مهم ترین اتفاق تئاتری امسال را چه می‌دانید؟

**زاغیان:** افزایش برگزاری کلاس های آموزش تئاتر در چند مؤسسه و دانشگاه.

**یکه باش:** برای من اجرای نمایش طلوع سفید به کارگردانی خودم بود. اینکه چرا این اتفاق را مهمترین اتفاق تئاتری می‌دانم: اول که ما اولین اجرای بعد از شروع ترم بودیم و دوم اولین کار با کارگردانی من بود.

**اشبگ:** نمی‌توان مهم ترین اتفاق تئاتری امسال دانشگاه را به یک چیز منحصر به فرد خلاصه کرد. اما دو چیز که به نحوی به یکدیگر مرتبط هم هستند مهم ترین اتفاقات تئاتری امسال را رقم زده اند. یکی استقبال های بی‌سابقه ی دانشجویان از نمایش‌هایی است که تاکنون به روی صحنه رفته اند و دیگری کسب مقام اول کانون تئاتر دانشگاه در ششمین جشنواره ملی رویش وزارت علوم است که برای سومین بار پیاپی رخ داده است. از تلاش های پنج ساله ی دکتر امیرنجفی به عنوان

## دور نیست...

### چشم انداز کانون تئاتر دانشگاه فردوسی در سال ۹۶



امیرحسین عاملی  
کارشناسی اقتصاد ۹۲

بهار بیش از پیش نزدیک می‌شود؛ بهاری که فصل شیرین کانون تئاتر بوده و هست، شور و حال تمرین‌های هنرجویان و علاقه‌مندانی که در تکاپوی رسیدن به «جشنواره ی تئاتر کوتاه دانشجویی» هستند، قوت قلب و حسن ختام هر دوره از فعالیت‌های کانون تئاتر در چند سال اخیر بوده است و امید به این که بماند و بماند؛ پرشور تر از قبل، پرصداتر از قبل. امیدواریم به زودی با رویکردی که برای این جشنواره مدنظر می‌گیریم بتوانیم راهی جدید برای رشد و پیشرفت گروه‌های کوچک تئاتر دانشجویی باز کنیم.

از بهار که بگذریم و به گذر این بهارها نگاهی بکنیم به آینده، امیدوار می‌شویم که دور نیست، آینده‌ای که تئاتر در این دانشگاه پای خود را فراتر از آمفی‌تئاتر پردیس و کانون‌های فرهنگی بگذارد. انتظار می‌رود برای سیاست‌گذاران فرهنگی و علمی دانشگاه، تئاتر به مثابه ی هنری پر جان، زیرمجموعه ی فعالیت‌های داوطلبانه حساب نشود و نگاه ایشان محدود به فعالیتی فرهنگی جنبی صرف نباشد، هنرجویان و دانشجویان علاقه‌مند به هنرهای نمایشی و تئاتر در دانشگاه فردوسی، توانایی، استعداد و علاقه‌ی خود را با وجود سختی‌ها و محدودیت‌های گاه غیرمنطقی، جانانه به رخ کشیده‌اند، تا جایی که فاصله ی معنادار

مشهد بکنند، اگر نگرانی‌ها نسبت به «رفتن و بازنگشتن» استعداها و سرمایه‌های هنری در این شهر و دانشگاه به وجود آید، اگر این «اگر» ها «باید» شود؛ آن وقت دور نیست روزی که زمینه‌ای برای آموزش علمی در این دانشگاه دیده شود، آن وقت دیدن «دانشکده ی هنر» دور نیست.

برای گفتن داشته باشند، اگر مسئولین فرهنگی بیش از پیش حمایت از هنر را در اولویت خود قرار دهند، اگر روحیه ی محافظه‌کاری حاکم نسبت به شکل‌گیری فضای آکادمیک هنرهای نمایشی در مشهد جای خود را به حمایت و ظرفیت‌سازی علمی و هنری بدهد، اگر وزارت علوم نیم‌نگاهی به سکوت علمی هنر در

کانون تئاتر دانشگاه فردوسی در قیاس با دیگر کانون‌های تئاتر سطح کشور به چشم بیاید و اول شدن و اول ماندن این کانون در سطح کشور «اپیدمی» تلقی شود، با این اوصاف چند «اگر» می‌ماند، اگر هائی که امیدواریم به «باید» برسد، اگر تلاش و خلاقیت فعالین کانون تئاتر بدون وقفه ادامه یابد و همیشه حرف‌تازه‌ای



## تلاش موفقیت آمیز ستاره‌های پاپ برای یک کار خیر



خیر داغ روزهای گذشته، حضور و حمایت ستاره‌های موسیقی از «سهیل» (جوان کرمانشاهی محکوم به اعدام) بود که با بازتاب‌های مختلف اجتماعی رو به رو شد.

سهیل جوان ۲۰ ساله‌ای که به دلیل یک منازعه بچگانه در سن ۱۵ سالگی، پنج سال را در زندان گذرانده بود و در تمام این پنج سال کابوس اعدام لحظه به لحظه زندگی اش را در بر گرفته بود، با حضور و حمایت ستاره‌های موسیقی از قبیل محسن چاوشی، رضا صادقی، بابک جهانبخش، عماد طالب زاده، محسن شیرالی و تامین رقم ۲۵۰ میلیون تومانی حق المصلحه، توانست بار دیگر به زندگی بازگردد.

## از طریق عشق تا گذشتن و رفتن پیوسته

موسیقی در سالی که گذشت

گروه «پالت» نیز در روزهای پایانی سال آلبومی را با نام «تمام نا تمام» عرضه کرد که شامل کنسرت تصویری آنها و ۵ قطعه است که بعضی از آن‌ها را پیش از این نیز شنیده بودیم، مانند ترانه «تمام ناتمام» که تیتراژ سریال لیسانسه‌ها بود.

اگر ۲ آلبوم را بخواهیم بهترین آلبوم‌های سال ۹۵ معرفی کنیم بدون شک آن دو آلبوم «طریق عشق» اثری از استاد «محمد رضا شجریان»، زنده یاد استاد «پرویز مشکاتیان» و «گروه عارف» و آلبوم «گذشتن و رفتن پیوسته» اثر گروه «بمرانی» خواهند بود.

از کیفیت آثار استاد شجریان و استاد مشکاتیان که هرچه بگوییم کم است، «طریق عشق» یکی از

پرفروش‌ترین آلبوم‌های امسال بود و اجرای زنده تور کنسرت افشاری سال ۱۹۸۹ اروپای شجریان، مشکاتیان و گروه عارف است. برخی قطعات این آلبوم را بیشتر در آلبوم‌های دیگر استاد شجریان شنیده بودیم اما در این آلبوم با سازبندی متفاوت اجرای زنده و همراهی استاد مشکاتیان لذت شنیدن قطعات را دوچندان می‌کرد.

بمرانی نیز به خوانندگی بهزاد عمرانی با آلبوم جدید خود غوغا به پا کرد و بعد از بخش آلبوم بلیط اجراهایشان در عرض چند ساعت به اتمام رسید.

«گذشتن و رفتن» پیوسته مجموعه‌ای است از صداها و رنگ‌های جدید در موسیقی تلفیقی ایران، آلبومی که ترانه‌های آن اکثراً شخصی هستند اما این شخصی بودن ترانه‌ها به علت مشترک بودن دغدغه‌ها ایرانی‌ها به آن قالبی اجتماعی نیز می‌دهد و آن حس همذات‌پنداری مخاطب با خواننده اثر در تمامی ترک‌های آلبوم دیده می‌شود.

سالی که گذشت سرشار بود از خبرهای خوب و بد، امیدواریم در سال پیش رو شاهد اتفاقات بهتری در زمینه موسیقی کشورمان باشیم.

کرد که می‌توان آن را آلبومی نسبتاً موفق تلقی کرد، ملودی‌های آلبوم بسیار مناسب بود، تنظیم زیبای «هومن نامداری» نیز در این موفقیت سهم به‌سزایی داشت.

به مدد شبکه‌های اجتماعی از اتفاقات عجیبی که در سال گذشته افتاد این بود که مراحل کشف، جذب مخاطب، رسیدن به شهرت، بخش آلبوم و روی صحنه اجرا کردن خواننده‌ای نوپا فقط در عرض چند ماه صورت گرفت؛ «حامد همایون» که تا سال پیش نامی نداشت در عرصه موسیقی به شمار می‌رفت، در جشنواره فجر امسال بلیط‌های چهار اجرای او در یک روز به اتمام رسید؛ (نظر شخصی نویسنده) اما سوالی که برای

من بدون پاسخ مانده این است که چطور یک خواننده بدون تکنیک و با صدای معمولی تا این حد می‌تواند در مدت یک سال به شهرت این‌چنینی برسد، شاید باید پاسخ این سوال را در حمایت‌های آقای «رجب پور» و «شرکت ترانه شرقی» جستجو کرد.

از دیگر آلبوم‌های خوبی که امسال به بازار روانه شد می‌توان به دو آلبوم «گفتیم نرو» از «محمد

علیزاده» و «رویای بی تکرار» از «علی زندوکیلی» اشاره کرد، علیزاده که تا به حال آلبوم‌های خوبی را عرضه کرده، این بار نیز با همکاری «میلاد ترابی» و «فرشید ادهمی» در امر آهنگسازی و با ترانه‌های خوبی از «مهرزاد امیرخانی» توانست باری دیگر توجه مخاطبان را جلب کند.

زندوکیلی که رویای بی تکرار دومین آلبوم مستقل او حساب می‌شود اگر چه کیفیت آلبوم پیشین خود را حفظ نکرد اما در مجموع توانست باز هم با صدای گرمش بازار بازار یکنواخت موسیقی را حال و هوایی تازه ببخشد، از نکات مثبت این آلبوم می‌توان به آهنگسازی «علیرضا افکاری» اشاره کرد که بسیار در جذابیت آثار نقش مثبتی را ایفا کرده است.

ایران خیر داد و در اواخر سال نیز از مراقبت‌های ویژه پزشکی ایشان و حال رو به بهبودشان گفت.

از دیگر اخبار ناگوار سالی که گذشت خبر فوت «لئونارد کوئن» خواننده و ترانه‌سرای مطرح کانادایی بود که بسیاری از علاقه‌مندان به موسیقی را در بهت و حیرت فرو برد، همچنین خبر وداع با استاد «ابراهیم شریف زاده»، از اساتید موسیقی مقامی خراسان به سیل این‌اندوه افزود؛ استاد آوازی که همیشه با آن صدای حزن آلودش غم خوار مردم بود.

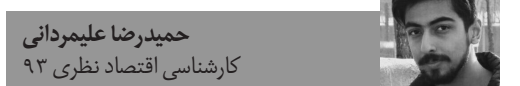
خبر اهدای نوبل ادبیات به «باب دیلن» که خواننده و ترانه‌سرا است هم از اخبار جالب توجه سالی که گذشت بود زیرا این اولین باری بود که نوبل ادبیات به یک خواننده داده می‌شد.

**بهترین آلبوم‌های ۹۵**  
از اولین آلبوم‌های عرضه شده در سال ۹۵ آلبوم «گذر اردیبهشت» از گروه «دال» بود، تاکید دال بر روی ملودی‌های زیبا را در تک تک قطعات این آلبوم می‌توان به وضوح حس کرد و وسواس بسیار اعضای گروه در این قطعات مشهود است، استفاده‌های به‌جا از سازهای مناسب در جای

جای این آلبوم ملموس است و از صدای زیبای «امین هدایتی» خواننده این گروه نیز به هیچ‌عنوان نمی‌توان چشم‌پوشی کرد.

یکی دیگر از آلبوم‌های خوبی که در بهار امسال منتشر شد می‌توان به «امیر بی‌گزند» با صدای «محسن چاوشی» اشاره کرد، چاوشی که همیشه رضایت طرفداران خود را توانسته است جلب کند این بار نیز با شعرهایی از «مولانا»، «سعیدی» و همراه همیشگی اش، «حسین صفا» و با آهنگسازی خوب خودش توانست بار دیگری هم مخاطبان خود را راضی نگاه دارد.

«احسان خواجه‌امیری» نیز در اواخر تابستان هشتمین آلبوم خود را با نام «سی سالگی» به بازار عرضه



حمیدرضا علیمردانی  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

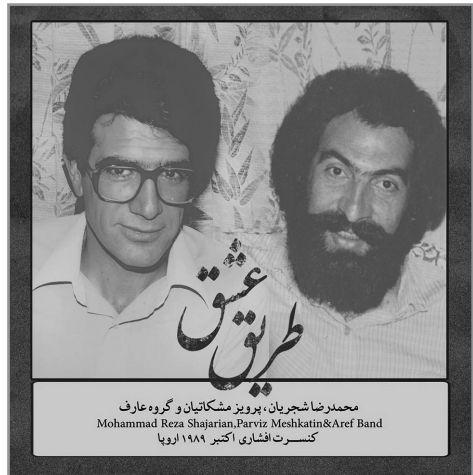
سالی که گذشت سالی پر فراز و نشیب برای موسیقی ایران بود، از طرفی مجوزهای وزارت ارشاد گویا با روند بهتری صادر می‌شدند و شاهد انتشار آلبوم و برگزاری اجرا از کسانی بودیم که پیش از این بدون مجوز قانونی وزارت ارشاد در داخل و یا خارج از کشور فعالیت می‌کردند، شروع این قضیه را شاید بتوان اخذ مجوز آلبوم «۲۸» از «زانیار خسروی» در سال ۹۲ دانست پس از آن نیز «سینا حجازی»، «گروه عجم» و «کاوه آفاق» نیز توانستند آلبوم‌های خود را منتشر کنند، امسال نیز شاید

سخت‌گیری‌ها کمتر شده بود و «کاوه آفاق» و «کینگ رام» توانستند در روی صحنه اجرا کنند و «سیامک عباسی» توانست هم آلبومش را روانه بازار کند و هم بر روی صحنه

برود. اما از طرفی دیگر لغو مجوز کنسرت‌ها و عدم همکاری مسئولین در بسیاری از شهرستان‌ها لذت شنیدن موسیقی زنده هنرمندان محبوب

کشورمان همچون استاد «کله‌هر»، «علی زندوکیلی» و بسیاری دیگر، از هوادارانشان گرفته شد، این سرسختی‌های بوجود آمده، در استان خودمان بیشتر از پیش قابل مشاهده بود.

در سال گذشته خبرهای زیادی در عرصه موسیقی شنیدیم، در نشریه نیز بازخورد‌های مختلف آن را در قالب مطالب متنوعی پوشش دادیم؛ از اولین خبرهایی که در سال ۹۵ به گوشمان خورد خبر بیماری استاد «شجریان» بود که در قالب یک پیام تصویری نوروزی در تلفن‌های همراهمان دست به دست گشت و ناراحتان کرد، «همایون شجریان» در طول این یک سال مردم را از حال پدر با خیر می‌کرد و در پایان شهریور ماه از بازگشت ایشان برای ادامه درمان به



محمد رضا شجریان، پرویز مشکاتیان و گروه عارف  
Mohammad Reza Shajarian, Parviz Meshkati & Aref Band  
کنسرت افشاری اکتبر ۱۹۸۹ اروپا

## پژواکی از شهر خاموش

### گزارشی از فعالیت کانون موسیقی دانشگاه فردوسی در سال ۹۵



محمد سهیلی  
کارشناسی مهندسی آب ۹۱

های کانون موسیقی در حوزه‌های پژوهشی، به صورت سلسله جلسات هفتگی و همایش‌ها، و نیز در حوزه تولید محتوا، در قالب تولید آثار موسیقی سنتی و تلفیقی توسط گروه ارغنون و انتشار مجدد نشریه ارغنون، از سر گرفته شد. این روند با رشد قابل توجهی تا سال ۹۴ ادامه یافت و با آغاز سال تحصیلی ۹۴ به نقطه اوج خود رسید. به گونه‌ای که علیرغم فشارهای زیاد داخلی و خارجی و البته حمایت مسئولین محترم دانشگاه، توانست میزبان استاد بزرگ تار ایران، استاد حسین علیزاده باشد.

و قبل‌تر از آن شاهد برگزاری برنامه‌ی اجرای دو نوازی استاد کیوان ساکت و بهنام ابوالقاسم، و بعد از آن اجرای مجموعه آثار تولیدی گروه موسیقی ارغنون در حوزه موسیقی تلفیقی از سوی این کانون بودیم.

مهمترین هدف هر کانون و یا تشکل جذب اعضای جدید جهت تداوم راه و ماندگاری آن کانون یا تشکل است، که نیکبختانه در دوران وانفسا موسیقی مشهد، تعداد چشمگیری از دانشجویان دانشگاه پس از آشنایی با کانون موسیقی و مشاهده فعالیت‌های گسترده آن به جهت حمایت معنوی، به یکباره به عضویت رسمی کانون موسیقی درآمدند و ما توانسته‌ایم تا

به امروز، بدون توجه به سلائق شخصی و غرض ورزی‌ها، ادامه دهنده راه پیشینیان خود بوده و با برنامه‌ریزی مدون و پیگیری و برگزاری مجدد برنامه‌هایی مشابه آنچه پیش‌تر ذکر شد، به ارتقای سطح سواد عمومی موسیقایی و نوازندگی این هنردوستان کمک شایانی کرده باشیم.

ما بر دهل عشق دستک زده ایم  
تنبک ما طبل بی عاری نیست

دولت قبل، پس از ممانعت از اجرای گروه اشتیاق به خوانندگی علیرضا قربانی، متأسفانه این کانون به مدت یکسال به انزوای ناخواسته رفت و شاهد هیچگونه فعالیتی از آن نبودیم. اما رفته رفته و در سال ۹۲ خون تازه در رگ‌های کانون موسیقی جریان یافت و با حمایت مسئولین دانشگاهی فعالیت

اختصاص دهد و بار دیگر به رسالت همیشگی خود عمل کرده و صدای موسیقی محجور خراسان و به طور خاص مشهد را به گوش اهالی فرهنگ و هنر در کشور برساند.

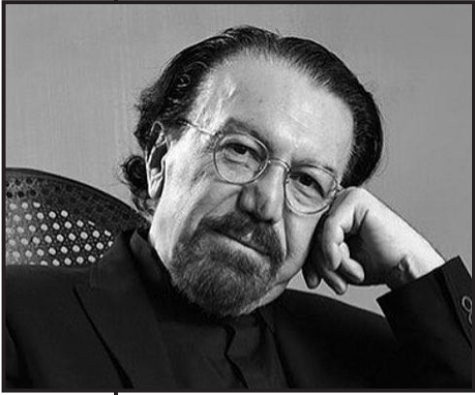
فعالین کانون موسیقی همواره با مشکلات زیادی بر سر راه خود مواجه بوده‌اند، به گونه‌ای که در

جشنواره ملی رویش همواره به عنوان محفلی جهت سنجش و ارزیابی فعالیت‌های سالانه کانونهای فرهنگی-هنری دانشگاهها در میان فعالین دانشجویی شناخته شده است. در این جشنواره که هر ساله به میزبانی یکی از دانشگاههای کشور در حال برگزاری است، برای برنامه‌هایی از قبیل نشست‌های فرهنگی و دوره‌های آموزشی در حاشیه‌ی نمایشگاه چند روزه‌ی توانمندی‌های کانون‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و مذهبی که به عنوان مجموعه‌ای جوان، خودجوش و اندیشمند در دانشگاهها فعال هستند، و همچنین انتخاب برترین‌های هر حوزه همواره از برنامه‌های این جشنواره می‌باشد.

در این دوره که با عنوان ششمین جشنواره ملی رویش به میزبانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر در دی ماه سال جاری برگزار گردید، دانشگاه فردوسی مشهد با کسب ۱۵ عنوان برتر توانست جایگاه اولی این دانشگاه را برای یک سال دیگر تمدید نماید. بی‌شک می‌توان از کسب عنوان برتر کانون موسیقی دانشگاه فردوسی مشهد و همچنین رتبه دوم گروه نوازی سنتی توسط گروه ارغنون کانون موسیقی، به عنوان یکی از اتفاقات مهم این جشنواره یاد کرد که از بازخورد خبری بالایی نیز برخوردار شد.

این کانون توانست با ثبت گزارش عملکرد از ۴۸ عنوان فعالیت خود در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، از میان ۳۸۴ کانون ادبی و هنری رتبه اول را به خود

## کنسرت «ناصر چشم آذر»، با همراهی ارکستر بزرگ «ایستگاه» برگزار می‌شود



کنسرت ناصر چشم آذر این بار با همراهی ارکستر بزرگ «ایستگاه» در فضایی جدید و با اتفاقات ویژه در تالار وحدت به روی صحنه می‌رود.

در این کنسرت که در تاریخ ۲۵ و ۲۶ اسفند در تالار وحدت برگزار می‌شود اعضای ارکستر بزرگ «ایستگاه» به سرپرستی مهدی نوروزی و ارکستر ۵۰ نفره، تعدادی نوازنده مهمان و گروه کر، در کنار ناصر چشم آذر به اجرای برنامه خواهند پرداخت. ارکستر خصوصی «ایستگاه» به سرپرستی مهدی نوروزی که از مدرسان آواز دانشکده کنسرواتوار تهران است، از سال ۱۳۹۰ فعالیت خود را آغاز کرده و اساس کار «ایستگاه» اجرای موسیقی فیلم است که دلیل آن علاقه مشترکی است که اعضای ارکستر به موسیقی و سینما دارند و این نقطه پیوند ذهن و سلیقه اعضای ارکستر محسوب می‌شود. «ایستگاه» تاکنون اجراهای پرطرفداری را با محتوای موسیقی فیلم‌های پرطرفدار جهان روی صحنه برده که با استقبال دوستداران این سبک از موسیقی رو به رو شده است. ناصر چشم آذر نیز در ماه‌های گذشته اجراهای پرطرفداری را با حضور نوازنده‌ها و خواننده‌های مختلف در تالار وحدت به روی صحنه برده است و این بار تصمیم دارد در فضایی جدید به اجرای برنامه بپردازد.

## مدرن ترین بیان «دائما یکسان نباشد حال دوران، غم مخور»



# به بهانه بهار

سیاهی و سردی زمستان خودمان را بیازیم و فراموش کنیم که دور گردون، واضح ترین ویژگی ای که دارد دایره ای بودن است، و همه چیز مانند یک چرخه عزم تکرار شدن دارند اما به اشکال گوناگون، چه بدی و چه نیکی همواره نمی مانند، غم مخور.

حوض را، برق کفش جفت شده تو گنجه‌ها را درک کنیم؛ و پس از آن که این‌ها به یادمان آمد، به ما می‌گوید که همه ی این غم‌ها و خستگی‌های زمستان را به شوق بهار، به شوق زنده شدن دوباره ی زمین، به شوق لمس دوباره شان پشت سر بگذرانیم؛ نکنند در وانفسای این

ناراحتی است، شاید یکی از دلایل ماندگار شدن «کودکانه» هم اشاره‌ی استادانه به همین موضوع باشد، مجموعه زیبایی‌های عید و بهار را به نحوی به یادمان می‌آورد که حتی اگر برخی از آنها را حتی تابحال تجربه نکرده باشیم، باز هم بتوانیم قشنگی بوی باغچه و بوی



حجت سلیمی  
کارشناسی مهندسی متالورژی و مواد ۹۳

عید نوروز، جدا از جذابیت‌های خاصی که دارد، ظرافت‌های خاص خود را هم دارد، که همه آن‌ها را شاید با هم نینیم، اما کلکسیونرهای هستند مانند «شهباز قنبری» که اکثر این خوشی‌های ظریف را در شعری مانند «کودکانه» جمع کرده اند و «فرهاد مهراد»، با لرشز استادانه ی تارهای صوتی خاص خود، قطعه ای ماندگار را منتشر کرده است، برای شخص من مجموعه آهنگ‌های فرهاد به طور ناخودآگاه، تماما در نیمسال دوم سال پخش می‌شوند، چرا که حسگرهای فرهاد-پسند بدنم، تنها در پاییز و زمستان فعال می‌شوند، و با همین سیستم طبقه‌بندی، در ماه اسفند دو قطعه‌ی «کوچ بنفشه‌ها» و «کودکانه» فرهاد پررنگ تر می‌شوند، این دو قطعه به قدری شیوا و رسا هستند که دلیل قرارگیری آن‌ها در ماه اسفند تنها با یک بار گوش دادن آنها بدست می‌آید. زمستان فصل مرگ زمین است و هرچقدر هم که فردی نسبت به برف و سرمای آن هیجان داشته باشد بازهم فصل خودگی و

## راه کلهر شدن چهره سال، کیهان کلهر

فعالیت‌ها تعریف و اجرا نشده، از انجام هرگونه فعالیت در ایران خودداری خواهد کرد. او در این باره می‌گوید:

در ۲سال گذشته که ۶ کنسرت لغو شده و طبیعتاً کسی از نظر احساسی، عاطفی، هدر رفتن زمان و یا جوانب مالی پاسخگوی بنده، مخاطبان و برنامه‌ریزان نبوده و نیست؛ اما شاید بتوانم در جاهای دیگر کنسرت بدهم و قسمتی از ضررها را به نحوی جبران کنم؛ اما اگر کنسرت نوازنده‌های جوان که با سختی، یک برنامه در سال آماده می‌کنند؛ براحتی لغو شود، نمی‌توانند آن را جبران کنند و این تهدید همواره هست که آنها دلزده شده و برای همیشه از موسیقی کنار بکشند.

کسی که کنسرت‌هایش را برای آشنایی مردم با موسیقی متعلق به خودشان، به رایگان برگزار می‌کند.

سخن از کیهان کلهر است. استاد کیهان کلهر؛ که در موسیقی ما به چهره ای بین المللی بدل شده است. کیهان کلهر اعلام کرد که در ادامه تور «پردگیان باغ سکوت» و بعد از برگزاری کنسرت در شهرهای بوشهر، شیراز، اهواز به مناطق محروم ایران سفر می‌کند تا در آنجا کنسرت رایگان برگزار کند.

این کنسرت‌ها دی‌ماه در شهرهای تربت حیدریه و زاهدان برگزار شدند. هدف اصلی از برگزاری کنسرت علاوه بر ترویج موسیقی سنتی و اصیل ایرانی، حمایت از علاقه‌مندان به موسیقی در مناطق محروم ایران است، چون هیچ موسیقیدانی حاضر به برگزاری کنسرت در این نواحی نیست، با وجود این‌که مردم این نواحی از عشق و شعور بالایی نسبت به موسیقی ایرانی برخوردارند. آلبوم «Sing Me Home» به سرپرستی یویوما و آهنگسازی و نوازندگی کیهان کلهر توانست جایزه گرمی را در پنجاه و نهمین دوره این مراسم از آن خود کند. پیش از این تنها محمد رضا شجریان و حسین علی زاده برای آلبوم‌های «فریاد» و «بی تو به سر نمی‌شود» توانسته بودند برای دریافت جایزه نامزد شوند.

این نخستین بار نبود که کیهان کلهر نامزد گرفتن جایزه «گرمی» می‌شد. پیش از این هم با آلبوم‌های «بی تو بسر نمی‌شود»، «فریاد»، «باران» و «فراتر از نقشه جغرافیا» که در آن‌ها به‌عنوان آهنگ‌ساز و نوازنده نقش داشته، نامزد گرفتن این جایزه شده بود.

سعیدی که خدایش بیامرزد، وضعیت موجود را به خوبی توصیف کرده، آنجا که می‌فرماید: اشتر به شعر عرب در حالتست و طرب گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری



### سفیر موسیقی ایران

در عرض دو سال، شش کنسرت لغو می‌شود. علیرغم صدور مجوز و ویزا از برگزاری کنسرت وی با بروکلین رایدز جلوگیری می‌شود. و از همه عجیب تر، کنسرت وی در نیشابور لغو می‌شود (احتمالاً به بهانه ی واهی واقع شدن نیشابور در حدود جغرافیایی حرم مطهر امام رضا(ع)، حال آنکه در همین حریم و در نزدیکی شهر مشهد بعضاً مجوزهایی صادر شده که در آن به اصطلاح کمدین‌هایی روی صحنه رفته اند و در حین طنزی که حتی بعضاً به سمت هزل می‌رود، شروع به بازخوانی قطعات موسیقی بی هویت می‌کنند حال آنکه اتفاقاً برخلاف ادعای دوستان، اجراهایی لغو می‌شود که شناسنامه موسیقی این آب و خاک است.

و کار به جایی می‌رسد که در خرداد ۱۳۹۴ و به دنبال ممانعت اداره اماکن نیروی انتظامی از برگزاری کنسرت مشترک کلهر و گروه بروکلین رایدز، وی اعلام می‌کند که دیگر در ایران اجرایی نخواهد کرد. او تأکید می‌کند تا زمانی که فرهنگ و هنر ایران گروگان زورگیری و زورآزمایی جناح‌های سیاسی است و خط مشی مشخصی برای این‌گونه

گوچلیف ساخته و نوای مسحورکننده کمانچه کیهان در آن گوش می‌نوازد.

تحلیل‌هایی در مورد دیدگاه‌های موسیقایی این استاد عزیز نقل شده است. گفته می‌شود که او به تکنوازی به عنوان یکی از ارکان موسیقی معتقد بوده و اصلاً تکنوازی را شالوده و عصاره موسیقی می‌دانسته و به گفته او گروه نوازی یا هم‌نوازی مقوله‌ی جدیدی است و باید کوشید تا این اصل بداهه‌نوازی و تکنوازی حفظ شود چون یک سنت است، او همچنین به موسیقی‌های تلفیقی که امروزه باب شده است اعتقادی ندارد و می‌گوید این موسیقی دیگر موسیقی ایرانی نیست و پاپ محسوب می‌شود و صرفاً استفاده از سازهای ایرانی دلیلی بر کار کردن در حیطه ی موسیقی سنتی و ایرانی نیست و لازم است که ریشه‌ها را بشناسیم و سعی کنیم خودمان ان را به دست آوریم.

هنرمندان، به خصوص موسیقیدانان به نظر من هر کدام به نحوی خاص هستند و روحیات خاصی دارند که باید به آن‌ها احترام گذاشت تا موجب رنجش آن‌ها نشویم چرا که همین افراد هستند که به جامعه ای خشک با این همه قوانین و مشغله، صفا می‌بخشند.



نگار سنگتراش [کارشناسی شیمی کاربردی ۹۳]  
امیررضا کرامتی [کارشناسی حسابداری ۹۲]

چهره سال کلهر انتخاب شد! نه براساس رسانه‌ها، بلکه به اتفاق، همه وقایعی‌ها روی این انتخاب یک دل بودند. دلایل؟ زیاد.

کسی که موسیقی ایرانی را بین المللی کرد، کسی که با وجود دلخوری‌ها و بی‌مهری‌ها دست از فعالیت‌هایش در ایران نکشید، کسی که برای علاقه‌مندان عه محروم، شرکت در اجراهایش را به صورت رایگان ممکن کرد، کسی که چهار بار نامزد گرمی شد، و...

موسیقیدانی کرد، متولد شده در کرمانشاه با خانواده‌ای علاقه مند به موسیقی، امروزه از بزرگان ما در دنیای موسیقی است. کیهان از ۵ سالگی شروع به کشف استعداد خود کرد و کم‌کم در سن ۱۲ سالگی، به موسیقی حرفه ای پرداخت و با رادیو کرمانشاه شروع به همکاری کرد. ساز تخصصی او کمانچه است و متأثر از استاد «علی اصغر بهاری» است. کیهان قبل از ایتالیا رفتنش با گروه شیدا همکاری می‌کرد که این همکاری به دایره ی شناختش از بزرگان موسیقی اضافه کرد و او را شناخته شده تر کرد. او به ایتالیا رفت و سپس برای تحصیلات تکمیلی به کانادا مهاجرت کرد.

او در طی فعالیت‌هایش با هنرمندان مختلفی همکاری داشته، «اردال ارزنجان» از ترکیه، «شجاع حسین خان» از هند، «یویوما» از چین، «زایو ژبینگ» از ژاپن، «عالیم قاسمف» از جمهوری آذربایجان، «بروکلین رایدز» از آمریکا، ارکستر «فیلارمونیک» نیویورک، «کوارتت کروئوس» و گروه سازهای بادی هلند، همه این‌ها او را به هنرمندی بین‌المللی تبدیل کرده است.

از جمله همکاری‌هایش در ایران، گروه «دستان» با حضور «شهرام ناظری» می‌باشد که در آن کلهر به نوازندگی و تنظیم می‌پرداخت که از آثارشان می‌توان به سفر به دیگر سو اشاره کرد. او همچنین آثاری را با همکاری‌هایی چون «محمد رضا شجریان» و «حسین علیزاده» پدید آورد که شامل شش آلبوم: «زمستان است»، «بی تو به سر نمی‌شود»، «فریاد»، «ساز خاموش»، «شب، سکوت، کویر» و «سرود مهر» می‌شود.

کیهان کلهر دست‌ی هم در موسیقی متن فیلم «جوانی بدون جوانی» ساخته «فرانسیس فورد کاپولا» داشته است که موسیقی آن را اسالدو

## گزارش گاردین از اسکار «فروشنده»: موج افزایش رای ها به فیلم، توسط معترضان به قانون ترامپ ایجاد شد



نقد سینما، بخش هایی از گزارش گاردین درباره اسکار فروشنده اصغر فرهادی را نقل کرده است: این اعتراض در مقابل قانون ممنوعیت سفر توسط دونالد ترامپ، تا حدودی باعث پیروزی حیرت انگیز «اصغر فرهادی» کارگردان ایرانی شده است؛ فرهادی که در اصل برای سفر به هالیوود و دریافت جایزه برنامه ریزی کرده بود، تاکید کرد «شرایط ناعادلانه ای برای مهاجران و مسافران از چندین کشور به ایالات متحده آمریکا به وجود آمده است»

موج افزایش رای ها برای فیلم او توسط رای دهندگانی از اسکار ایجاد شد که معترض به قانون ممنوعیت سفر مردم ۷ کشور مسلمان به آمریکا بودند. در غروب یکشنبه، فیلم فروشنده به صورت رایگان توسط «صادق خان» شهردار لندن، به نمایش گذاشته شد. تا زمانی که پیامدهای ممنوعیت برای فیلم سازانی مانند فرهادی روشن نشده بود، «تونی اردمان» آلمانی بیشترین شانس را برای دریافت جایزه داشت. «سرزمین مین» (دانمارک)، «تاناس» (استرالیا) و «مردی به نام اووه» (سوئد) دیگر نامزدهای دریافت جایزه بودند.

فروشنده برای اولین بار در جشنواره کن در می گذشته، برخلاف اعلامیه متوسط از طرف منتقدان، جایزه بهترین بازیگر مرد برای شهاب حسینی و بهترین فیلمنامه برای فرهادی را دریافت کرد. فرهادی اولین اسکار ایران را در سال ۲۰۱۲ برای فیلم «جدایی» اش دریافت کرد. با دریافت دومین جایزه، او در دسته نخبگان دو برندهای اسکار که شامل فدریکو فلینی و اینگمار برگمن هستند، قرار گرفت.

## جایزه‌ای که بیشتر از قدر خود می‌ارزد

نبود که فرهادی بار دیگر این جایزه را با خود به خانه برد. اما در داخل نیز این موفقیت با سیلی از پیام های تریک و ابراز خرسندی ها همراه بود تا جایی که حتی مسئولان بلندمرتبه کشور نیز به آن واکنش مثبتی داشتند.

البته در داخل نیز برخی نسبت به این موفقیت مجدد واکنش هایی منفی داشتند اما برآیند کلی بازخوردها از کسب این جایزه بیانگر خرسندی مردم از دومین اسکار ایران است. فرهادی توانست در این دوران پرتنش تاثیر خوشایندی گذارد. در مراسم اسکار نیز حضور نمایندگان فرهادی برای کسب این جایزه خالی از حواشی نبوده و حاوی پیامی روشن برای مردم و دولت آمریکا بود. پیامی که نشان می دهد موج دشمنی با ایران که مجددا بسیاری در پی گسترش آن هستند، نمی تواند موثر واقع شود چراکه ایران توانسته در فضای بین المللی جایگاه خود را تثبیت کرده و دیگر نادیده انگاشته نشود.

همراه با برخی واکنش های منفی در داخل، حتی رسانه های عربستان نیز نتوانستند جلوی عصبانیت خود را بگیرند و نسبت به این فیلم واکنش نشان دادند. آن ها نیز تولید چنین محصولات هنری را برای توسعه تفکرات ضد ایرانی خود به عنوان مانعی بزرگ می بینند. با نگاهی به کشورهای منطقه می توان دریافت که سینمای ایران یکی از پیشگامان صنعت سینما برای حضور در عرصه های بین المللی است و تا امروز نیز توانسته بیشتر از سایرین مرزها را درنوردد.

جایزه ای که امروز فرهادی آن را دریافت کرده، چیزی بیشتر از یک جایزه است. اهدای این جایزه یک حرکت اعتراضی از سوی هنرمندان آمریکایی بود که نشان داد با آنچه که در فضای سیاسی این کشور می گذرد مخالفند.



است که سینمای ایران در حال نفوذ به سطح سلاقی بین المللی است.

امروز در عرصه سیاست، دنیا شاهد درگیری و تنش لفظی بالایی بین ایران و امریکا است. دولت تازه وارد امریکا، ایران را محور تروریسم در دنیا می داند و برای تحریک جمهوری اسلامی از هیچ اقدامی رویگردان نیست. شاید فرمان منع مهاجران ۷ کشور از ورود به امریکا موتور محرک اصلی آکادمی اسکار برای برگزیدن ایران در این دوره از اهدای جایزه اسکار بود. شاید هیچ چیز برای رییس جمهور امریکا بدتر از این

برگزار می شود. امسال نیز این رویداد با رنگ و بویی سیاسی همراه بود. «فروشنده» اصغر فرهادی برای حضور در بخش فیلم های خارجی زبان این آکادمی به عنوان نماینده ایران حضور یافت و در کمال ناباوری با جایزه اسکار به خانه بازگشت.

اهدای این جایزه به فرهادی چه در داخل و چه در خارج از کشور حاوی پیامی بود که ناشی از اثرگذاری همان قشر فرهیخته، یعنی هنرمندان، است. موفقیت نماینده ایران در دریافت دوباره این جایزه بیانگر این



سعید کریم پور  
فارغ التحصیل کارشناسی حقوق

هنرمندان را می توان یکی از اقشار نخبه جامعه به شمار آورد. تاثیری که این افراد بر جامعه می گذارند، شاید کمتر از رسانه ها و سیاسیون نباشد. یکی از رویدادهای مرتبط با همین بخش از جامعه، برگزاری جشنواره سالانه اهدای جایزه آکادمی هنرهای سینمایی، اسکار، است. رویدادی که شاید بتوان آن را بزرگترین رویداد سینمایی جهان به حساب آورد.

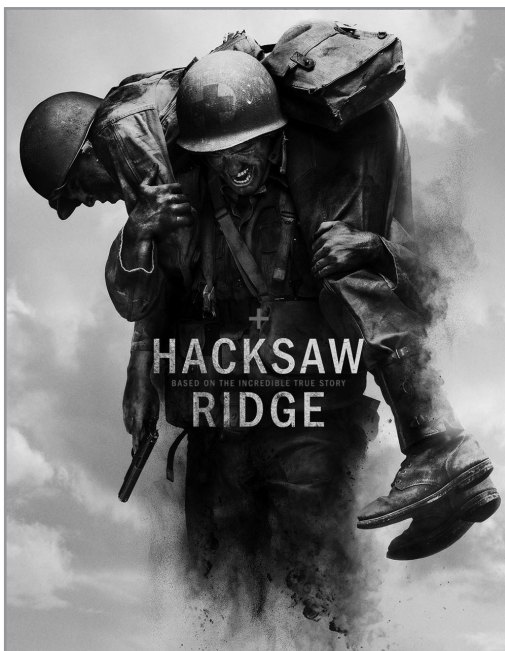
در عین حال برگزاری این رویداد از سوی آکادمی همیشه با انتقاداتی نیز همراه بوده است؛ به طوری که برخی گزینش آثار برای اهدای جایزه توسط این آکادمی را متأثر از مسایلی نظیر سیاست و یا حتی مسایل نژادپرستانه می دانند. همین پارسال بود که بسیاری از هنرمندان سیاه پوست حضور در این مراسم را تحریم کردند چراکه به اعتقاد آنان، اسکار آنان را نمی دید.

در همین رابطه کمپینی اعتراضی با عنوان «اسکار خیلی سفید» به راه افتاد که امسال شاهد تاثیرات آن در اهدای جایزه بودیم.

حواشی سیاسی اسکار نیز کم نبوده و همیشه انتقاداتی را با خود به همراه داشته است. همان زمان که فیلم سینمایی «آرگو» که در خصوص فرار دیپلمات های آمریکایی از ایران در اوایل انقلاب بود، برنده این جایزه شد، بسیاری در داخل و خارج اعتقاد داشتند که این فیلم شایستگی دریافت این جایزه را نداشته است. این عقیده زمانی تقویت شد که میشل اوباما، همسر رییس جمهور وقت امریکا، این جایزه را اعلام کرد. گرچه نباید از نظر دور داشت که همیشه مراسم آکادمی اسکار با حضور چهره های سیاسی امریکا

## سلاح خوب، سلاح بد

درباره فیلم ستیخ اره ای (Hacksaw Ridge)



تصمیم داس در چه برهه ای از تاریخ و در چه شرایطی اتخاذ شد تا اهمیت آن دوجندان شود.

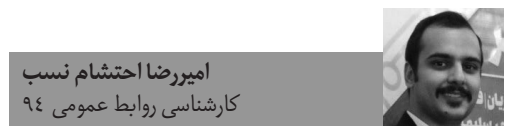
جالب آنکه گیبسون با هوشمندی وضعیت قهرمان داستان و سربازانی که در کنار او رزم پیشه کرده اند را به موازات هم روایت می کند و در نهایت به نقطه ای می رسد که این سوال مهم را مطرح می نماید که آیا رزم بدون سلاح داس ارزشی هم تراز با قهرمانان جنگ دارد که با سلاح به ایشار و از خودگذشتی مبادرت ورزیده اند؟

نکته جالب درباره فیلم اینکه پسر ششم مل گیبسون یعنی میلو گیبسون نیز بازیگر نقش فورد در این فیلم بوده است.

این فیلم که توانسته بود جوایز معتبری را در آکادمی هنرهای سینما و تلویزیون استرالیا، آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا، جوایز منتخب منتقدان و جایزه ستلایت (جایزه های است که سالانه از طرف آکادمی بین المللی مطبوعات اعطا می شود) را در برابر رقبای اسکار خود به دست آورد اما در اسکار فقط توانست در ۲ بخش بهترین تدوین و بهترین میکس صدا منتخب و در ۶ بخش نامزد شود.

داس» تبدیل به اولین فرد مخالف با سربازی شد که توانست مدال افتخار کنگره ای ایالات متحده آمریکا را کسب کند. فیلمنامه که توسط «اندرو نایت» و «رابرت شنکن» به نگارش درآمده، سعی کرده تا حد امکان و با درنظر گرفتن محدودیت های یک فیلم دو ساعته به اصل ماجرا وفادار بماند. در پایان فیلم، قطعاتی از مصاحبه ای دزموند واقعی در سال ۲۰۰۶ (که همان سال فوت کرد) نشان داده می شود. از این طریق به ما فرصت داده می شود تا کمی از این اتفاقات سینمایی شده را از زبان خود او بشنویم.

ستیخ اره ای در پرداخت قهرمان داستان نیز وجه انسانی او را مورد توجه قرار داده و از مقدس جلوه دادن داس خودداری کرده است. داس پزشکی که به جهت اعتقاداتش حاضر به استفاده از سلاح نیست اما در بخش هایی از فیلم نشان داده می شود که او نیز وسوسه حمل سلاح را در خود می بیند و دائم در یک چالش برای ماندن بر اعتقاداتش یا پیروی از رزم مسلحانه برای کشورش است. گیبسون با عریان نشان دادن حقیقت جنگ به تماشاگرش او را در جایگاهی قرار می دهد که بتواند این احساس را تجربه نماید که



امیررضا احتشام نسب  
کارشناسی روابط عمومی ۹۴

فیلمی با ۲۲ جایزه رسمی و بیش از ۵۰ مورد نامزدی در بخش های مختلف جشنواره های فیلم بین المللی و ایالتی.

این اثر درباره پزشکی است در پرتلفات ترین نبرد تاریخ بشر، نبردی در جنگ جهانی دوم که بیش از ۱۵۰ هزار نفر جان باخته داشت. پزشک این فیلم به دلیل اعتقادات مذهبی ای که نشأت گرفته از گذشته او بوده حاضر به حمل سلاح نشد و مخالف خشونت بود.

«مل گیبسون» به عنوان یک فیلمساز، کمتر پیش آمده که به نمایش قهرمان پروری و فداکاری بپردازد و ثابت کرده که هراسی از به تصویر کشیدن بی پردهی خشونت ندارد. اگرچه نیمه ای ابتدایی فیلم معمولی است اما گام بلند فیلم هنگام یورش مردان گردان اول رخ می دهد. صحنه های نبرد، یادآور سکانس ساحل اواماها در فیلم نجات سرباز رایان است. این صحنه ها ترس های ناشی از جنگ را به طرز دینی به تصویر کشیده اند. ستیخ اره ای بر اساس داستانی واقعی است. «دزموند

## ظلمی ممتد

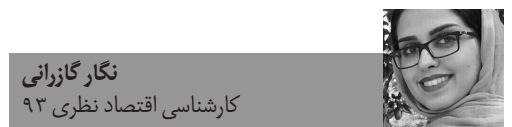
درباره فیلم «Hell or High Water»



یکی هستند و در عین حال افرادی در این راه هزینه های سنگینی می پردازند که کارگردان، قضاوت پیرامون اینکه حق با چه کسی است را به مخاطب واگذار می کند. در نهایت، فیلم بی عدالتی ای را نشان می دهد که در طول تاریخ وجود داشته و حتی بدتر شده است و از نتیجه گیری کلی پرهیز می کند.

اگرچه «Toby» و برادرش و «Marcus»، دستیارش با واژه های «دزد» و «پلیس» شناخته می شوند اما نمی توان کاراکتر خیر و شر را برگزید و نویسنده مخاطب را وادار به دوست داشتن هردو گروه و درک انتخاب هایشان می کند. فعالیت های مجرمانه دو برادر را می توان رابین هود گرایانه دانست با این تفاوت که در این داستان رابین هود و مردم فقیر

فیلم و کاراکترها معنا می بخشد. این دیالوگ ها در عین جذابیت و در برخی موارد طنز آمیز بودن، واقع گرایانه و طبیعی نیز هستند که به همراه فضای کویری و دشت های جنوبی نشان داده شده ی امریکا توام با موسیقی متن دلنشین فیلم، بیش از پیش واقعی بودن داستان را به مخاطب القا می کند.



نگار گازرانی  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

فیلم «Hell or High Water» به کارگردانی «David Mackenzie» و نویسندگی «Taylor Sheridan»، از جمله آثار قابل ستایش در سال ۲۰۱۶ بوده که در چهار بخش بهترین فیلم، بهترین تدوین، بهترین فیلمنامه ی اورجینال و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (Jeff Bridges) کاندیدای دریافت اسکار شد. این درام جانیی داستان مرد میان سالی به نام «Toby»، با بازی «Chris Pine» و برادرش «Tanner»، با بازی «Ben Foster» است که در پی فرار از بدهی و یافتن زندگی بدون دغدغه ی مالی دست به سرقت می زنند. دو شخصیت اصلی دیگر فیلم، دو مامور پلیس محلی به نام «Marcus»، با بازی چشم نواز «Jeff Bridges» و دستیارش «Alberto»، با بازی «Gil Birmingham» هستند. داستان ساده اما در عین حال پیچیده و تأمل برانگیز فیلم اگرچه با سکانس تعقیب و گریز دزد و پلیس آغاز می شود اما به هیچ وجه سعی در ایجاد هیجان معمول در فیلم های جانیی را ندارد و به جای سکانس های درگیری، با بهره گیری از دیالوگ های مفهومی به جریان

## ۶ فیلم اکران نوروز نهایی شدند



شورای صنفی نمایش اعلام کرده است که این فیلم‌ها می‌توانند در صورت تمایل حتی زودتر از نوروز ۹۶ و از ۱۸ اسفند به نمایش دربیایند.

«ماجرای نیمروز» - محمدحسین مهدویان  
 «یک روز بخصوص» - همایون اسعدیان  
 «گشت ۲» - سعید سهیلی  
 «خوب، بد، جلف» - پیمان قاسم‌خانی  
 «اباجان» - هانف علیمردانی  
 «سه بیگانه» - مهدی مظلومی

## سینمای هنری یا سینمای اقتصادی؟!

به بهانه بها ندادن به فیلم خوب «نفس»



سبحان شریفی  
 کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی ۹۵

دنیای دیگر وارد شدم، دنیایی که دخترک دبستانی در آن کتاب‌هایی همچون جنایات بشر، خون فروش، و داستان راستان می‌خواند که هیچ کودکی در آن سنین اینچنین کتاب‌هایی نمی‌خواند و با تصویرگری‌های کارتونی به مخاطب فیلم روایت می‌کرد.

فیلم، زندگی در دوران جنگ را با تمام سختی‌ها و وحشت‌هایش به مخاطب نشان می‌دهد. و اما اوج فیلم سکانس پایانی بازی بهار است، زمانی که بهار تنها در خانه مشغول تاب خوردن است و تمام خاطراتش به صورت صوت برای تماشاگر مرور می‌شود و برای آخرین بار آنچنان محکم باهیش را به زمین می‌کوبد و به سمت آسمان حرکت می‌کند که گویی می‌خواهد آسمان را بغل کند. همان جاست که بمبی در خانه‌شان فرود می‌آید و بهار معصوم را آسمانی می‌کند. آری، «محمدرضا عارف» درست می‌گوید: پیام فیلم «نفس» امید و صلح است. به هر حال فیلم «نفس» با تمام نکات ریز و درشت‌اش در فیلمنامه به خوبی توانست زندگی سنتی و اصیل ایرانی را به نمایش بگذارد. اجرای گویش‌های محلی در این فیلم توسط بازیگران در بافت‌های قدیمی شهر بسیار واقعی به نظر می‌رسید، شاید بتوان گفت این فیلم، ایرانی‌ترین فیلم سینمای ایران به شمار می‌رود. اما حیف که با کم لطفی مدیران سینمایی به صورت محدود و در سالن‌هایی با ظرفیت کم اکران شد در حالی که فیلمی همچون «سلام بمبئی» که نه یک اثر عاشقانه قوی است و نه می‌تواند یک کمدی لذت بخش باشد در سالن‌های اصلی چند سینما به صورت هم‌زمان اکران می‌شود. فیلمی که فقط به واسطه «محمدرضا گلزار» و «دیا میرزا» و ترکیب فیلم فارسی و فیلم هندی احتمالا تعداد زیادی از مخاطبین را روانه سینما کند.

اگر می‌خواهید «سلام بمبئی» را به صورت گسترده اکران کنید، حداقل در حق فیلم ارزشمند و هنری «نفس» جفا نکنید.

## قربانی جامعه

درباره فیلم Moonlight



پریسا علیزاده  
 کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

فیلمی از «بری جنکینز» برگرفته از داستانی اثر «مک کارنی» به نام «پسرهای سیاه پوست زیرنور مهتاب آبی دیده می‌شوند» این فیلم از همان ابتدا از شانس‌های اول اسکار یاد می‌شد که در هفت حوزه‌ی مختلف نامزد و در سه بخش بهترین فیلم، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (ماهرشالا علی) و بهترین فیلمنامه برنده بهترین فیلم اسکار ۲۰۱۷ روایت سه دوره مختلف از زندگی مرد جوان سیاه پوستی است که با وجود تمایلات جنسی متفاوت و فشارهای روانی ناشی از تحویل و خانواده‌ای از هم پاشیده به دنبال پیدا کردن جایگاه خود در این جهان است. امسال که سال نه چندان خوبی برای اقلیت‌های سیاه پوست در آمریکا بوده است این موضوع می‌تواند موضوع جالب و قابل توجهی برای سینمای هالیوود باشد. سینمایی که همواره نشان داده است به سرعت به بحران‌های درون جامعه می‌پردازد و به آنها واکنش نشان می‌دهد؛ محصول امسال این سینما در مواجهه با بحران‌های درون جامعه فیلم «Moonlight» بوده است که زندگی سخت سیاهپوستان را در جامعه نشان می‌دهد، این اثر برخلاف انتظاراتی که از این قبیل فیلم‌ها می‌شود به دنبال حق طلبی نیست بلکه به روایت از زندگی سخت و اندوه بار یک سیاهپوست بدون آن که راه حلی برای آن داشته باشد می‌پردازد.

داستان فیلم از دهه ۹۰ میلادی شروع می‌شود و ما را با پسری ضعیف و لاغراندام به اسم «شایرن» آشنا می‌کند که زندگی سختی را در محله‌ای فقیرنشین پشت سر می‌گذارد. شایرن

زمانی که هنر هفتم آغشته به پول و درآمدزایی می‌شود، بی رحمی‌ها و کج سلیقه‌هایی از طرف سینماداران نسبت به فیلم‌های خوب و ارزشمند دیده می‌شود. حال که در آخرین ماه سال هستیم، بد نیست نگاهی به فیلم‌هایی که در سال گذشته کمتر دیده شد، بیاندازیم.

فیلم «نفس» به کارگردانی «نرگس آبیبار» از جمله این فیلم‌هاست. فیلمی که روایت زندگی یک دختر بچه به نام بهار نورزوی است. در کنار خانواده‌اش در بازه زمانی قبل از انقلاب تا زمان دفاع مقدس. فیلمی نوستالژیک که هم می‌تواند به واسطه نمادها و استفاده از فضای زندگی سنتی، با مخاطب میانسال و بزرگسال ارتباط برقرار کند و هم می‌تواند به واسطه روایت‌گری توسط نقش اصلی قصه که دختری دبستانی است با مخاطب کوچکتر ارتباط خوبی بگیرد. بی دلیل نیست که «رخشان بنی‌اعتماد» می‌گوید: معصومیت عاشقانه «نفس» خاطرات دوره‌ی مان‌را به یاد می‌آورد و نیز «احترام برومند» می‌گوید: «نفس» آبیبار پر از احساس است. احساسات یک دختر بچه پرشور و ذوق که با همه، مهربانانه رفتار می‌کند. با ظاهر پسرخاله نوجوانش که از همین کودکی به بهار علاقه مند شده و یا با معلم دبستانش که در حال اخراج از مدرسه به دلیل داشتن حجاب در مدرسه در دوران پهلوی است و حتی با پسر همکلاسی‌اش که با وجود رقابت‌های درسی بین یکدیگر باز با مهربانی می‌خواهد کادو شاگرد اولی‌اش را که از پدر گرفته، به او بدهد. احساسات نه آقا که با بازی فوق‌العاده «پانتیه آ پناهی‌ها» نقش یک پسرزن اصیل و مذهبی را به خوبی ایفا می‌کند و با تمام خشونت ظاهری‌اش مهربانی‌های خاص خود را دارد.

اما «حسین علیزاده» می‌گوید: با «نفس»، به یک



## ۱۲ سفینه فضایی در زمین

درباره فیلم Arrival



بیگانگان و رفتارهای انسانی آنهاست. نکته دیگر «ورود»، داشتن دو خط داستانی کاملاً متفاوت است که هر دو سوالات بسیاری را برای بیننده ایجاد می‌کنند که تا دقایق آخر فیلم آنها را بی‌جواب می‌گذارند و البته که سکانس‌های میانی فیلم بیشتر از آنکه شما را به پاسخ نزدیک کنند، غلط انداز و بسیار ساده به نظر می‌آیند تا آنکه در دقایق نهایی جواب‌هایی دور از انتظار را جلوی شما قرار می‌دهند!

خط‌های داستانی هدفمند، این فیلم را از بسیاری جهات از سایر فیلم‌های ژانر علمی تخیلی متمایز می‌کند. فیلم «ورود» نه تنها به دنبال جلوه‌های ویژه و فانتزی و انفجارهای مهیب و نابودی زمین یا بیگانگان نیست بلکه تمام مدت ذهن شما را با سوالاتی مشغول می‌کند که برای پاسخگویی به آنها حتی لازم است اندکی بیشتر از همیشه تخیل خود را به کار بگیرید!

به این ترتیب داستان یکنواخت فیلم ممکن است اندکی خسته کننده بنظر بیاید زیرا وقتی یک فیلم علمی تخیلی را برای دیدن انتخاب می‌کنیم نیازمند اندکی هیجان و آدرنالین است که این فیلم از این لحاظ زیاد شما را شگفت زده نخواهد کرد.

فیلم در ابتدا با یک تیتراژ خبری آغاز می‌شود که خبر فرود ۱۲ سفینه فضایی و ورود بیگانگان را اعلام می‌کند و در ادامه انسان‌ها با اینکه اطلاعاتی از قصد فرازمینی‌ها ندارند ابتدا سعی می‌کنند با آنها ارتباط برقرار کنند و در این راه از کمک استاد زبان شناسی «لوویز بکس» با بازی «ایمی آدامز» استفاده می‌کنند. «دنیس ویلنوو» کارگردان و «اریک هایزرر» فیلم نامه نویس این اثر، زبان تصویری کاملاً جدیدی برای موجودات فرازمینی طراحی کرده‌اند. همچنین این فیلم گویای جزئیات دقیق و شگفت آوری درباره این

فیلم ورود «Arrival» به کارگردانی «دنیس ویلنوو» یکی از موفق‌ترین آثار علمی تخیلی در سال‌های گذشته محسوب می‌شود که هشت بار برای جایزه بفتا و هشت بار هم برای اسکار نامزد شد و توانست در هر دو جشنواره جایزه بهترین صداپردازی را از آن خود کند.

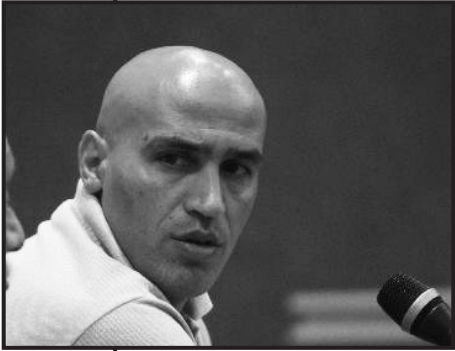
این اثر فیلم دیگری راجع به حضور فرازمینی‌ها با کشتی فضایی و هیبت‌های بزرگ بر روی زمین است. اما برخلاف بسیاری از آثار دیگر در زمینه موجودات ناشناخته فضایی که با درگیری و جنگ و نابودی همراه است در فیلم «ورود» خبری از خشونت و مبارزه نیست. که می‌تواند به شما نشان دهد یک فاجعه همواره با درگیری و کشتارهای عظیم همراه نیست.

نیلوفر عادل  
 کارشناسی اقتصاد بازرگانی ۹۳





## منصوریان: ما را هم نظامی کنید تا سرباز بگیریم!



علیرضا منصوریان پس از اینکه دو امتیاز بازی با سپاه جامگان را از دست داد با حضور در نشست خبری درباره مسائل مختلفی صحبت کرد. وی در بخشی از این کنفرانس خبری گفت: من روز گذشته در نشست خبری صحبت کردم و ۱۰ بار دیگر می‌گویم که تمام تیم‌ها حق دارند که به یک اندازه از امکانات استفاده کنند. تفاوت تیم‌ها تنها در تعداد هواداران است و من به تاج نیز گفتم که پیش قدم شوید و از مجلس بخواهید تا تیم‌های لیگ برتری و لیگ یکی بازیکن سرباز داشته باشند. در ادبیات من توهین دیدید؟ باشگاه ما یک بیانیه داد و صحبت‌های لازم را برای دفاع از هواداران مطرح کرد. من دیگر زمان ندارم که بخواهم به حواشی بپردازم و ادبیات من تنها برای دفاع از همه تیم‌های فوتبال است. در بیانیه باشگاه نیز آمده است که خانواده من آذری زبان است و در میان آنها بزرگ شدم و بهتر است وارد صحبت‌های قومیتی نشویم. حق همه تیم‌ها این است که مانند تراکتورسازی بازیکن سرباز بگیرند. بیانیه ۲ درصد از سهام همه تیم‌ها را بگیرند و به سپاه پاسداران بدهند و همه تیم‌ها را نظامی اعلام کنند تا ما نیز بازیکن بگیریم. نمی‌گویم که در فاصله نیم فصل چه اتفاقاتی رخ داد و اجازه بدهید که حرمت‌ها را حفظ کنم. باشگاه ما بیانیه داد تا از حق هواداران دفاع کند و من باید حواسم به دست اندازهای پیش رو باشد.

## در خدمت و خیانت ورزش در سال ۹۵

### فردوسی پور دولت وارد می‌شود!

مسعود سلطانی فر که از ۲۷۴ رای مابعد توانست با ۱۹۳ رای موافق، ۷۲ رای مخالف و ۹ رای ممتنع به عنوان جایگزین محمود گودرزی و وزیر جدید ورزش و جوانان ایران انتخاب شود، از ۱۱ آبان ۱۳۹۵ کار خود را شروع کرد. سلطانی فر که با رای بالا بالاخره به وزارت ورزش رفت. حالا ورزش ایران را در انتظار شنیدن اخبار خوش از ساختمان ستول و عمل به وعده‌هایی است که از زبان رئیس جدید ورزش ایران جاری شده بود گذاشته است.

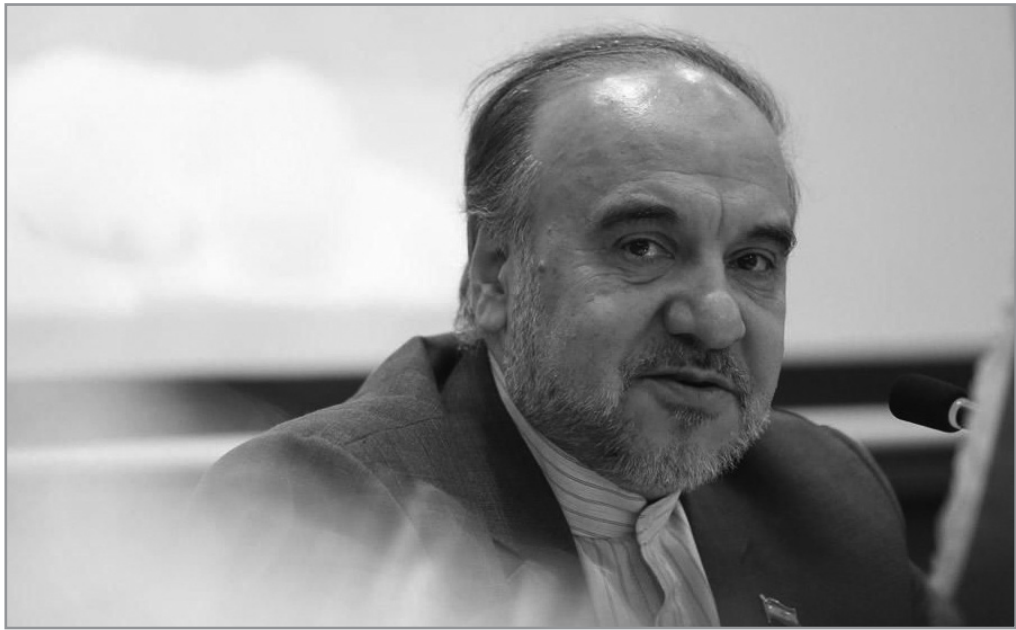
سوابق ورزشی مسعود سلطانی فر به گونه‌ای است که بسیاری وی را «فردوسی پور دولت» می‌دانند که اطلاعات بسیار وسیعی از ورزش جهان و ایران به ویژه ورزش محبوب فوتبال دارد. در این خصوص اظهارنظرهای نخبگان ورزشی، پیشکسوتان ورزش کشورمان و چهره‌های فوتبالی و مدیرانی که در گذشته با سلطانی فر همکاری داشته‌اند، مهر تأییدی بر سوابق و کارنامه موفق وی است.

سلطانی فر سومین وزیر ورزش ایران است و باید کار خود را برای حضوری موفق در سه رویداد بزرگ جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، بازی‌های آسیایی اندونزی و المپیک ۲۰۲۰ آغاز کند.

حال و روز نه چندان مساعد ورزش کشورمان، وضعیت ناپه‌سامان بسیاری از فدراسیون‌های ورزشی، کمبود اعتبارات برای تکمیل انبوهی از طرح‌های نیمه تمام بر جا مانده از دولت‌های قبلی، و البته از همه مهم‌تر راه پر پیچ‌وخم تیم ملی فوتبال برای رسیدن به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه که این روزها یکی از دغدغه‌های ورزش دوستان را شکل داده باعث شده تا جامعه ورزش بیش از هر زمان دیگری برای استقبال از سلطانی فر آغوش باز کند.

سلطانی فر می‌تواند با ترمیم فاصله موجود بین وزارت ورزش و تیم ملی فوتبال به ویژه با مرد محبوب این روزهای فوتبال ایران «کارلوس کی‌روش» گام مثبتی در تحقق برنامه‌های این پرتغالی کاربلد برای رساندن تیم ملی به مهمترین رقابت‌های فوتبالی جهان در روسیه بردارد.

و همچنین رسیدگی به وضعیت پیشکسوتان، رسیدگی به وضعیت دو باشگاه، پر طرفدار فوتبال استقلال و پرسپولیس، ثبات مدیریتی، نیز می‌تواند از اقدامات مثبت و مؤثر وزیر جدید ورزش باشد.



بدرخشد و مدال آور باشد اما به حریفی از روسیه باخت و حذف شد. مجتبی‌عابدینی، شمشیرباز شگفتی‌ساز کشورمان با حذف رقیبا توانست به نیمه‌نهایی المپیک صعود کند. عابدینی که یک گام تا تاریخ‌ساز شدن فاصله داشت ایرانیان را تا بامداد بیدار نگه داشت تا با نماینده آمریکا مسابقه دهد. عابدینی اما در نهایت شایستگی با نتیجه نزدیک ۱۵ بر ۱۴ شکست خورد و از صعود به فینال بازماند. در رده‌بندی نیز توانست به مدال برنز برسد. احسان حدادی که چشم امید ایران در دوومیدانی بود آمادگی سال‌های قبل را نداشت.

حدادی بیست‌وچهارم شد و به فینال نرفت. اما شیرینی پیروزی‌ها را نمی‌توان به فراموشی سپرد. در نهایت ایران المپیک را با ۸ مدال به پایان رساند. ۲ مدال طلای وزنه برداری، یک مدال طلا، یک نقره و یک برنز در رشته کشتی آزاد، دو برنز در رشته کشتی فرنگی از افتخارات ایران بشمار می‌آید و یک مدال برنز در رشته تکواندو زنان توسط کیمیا علیزاده که اولین مدال زنان ایران در المپیک بود تاریخ ساز شد.

آماده شود. لباسی که کاروان المپیک ایران باید در بزرگترین رژه ورزشی دنیا به تن می‌کرد.

ناکامی‌های ایران هم کم نبود. اولین رشته‌ای که باید برای ایران مسابقه می‌داد تیراندازی بانوان بود. بانوانی که با تمام موانعی که بر سر راه داشتند به المپیک رفته بودند. و با تمام این موانع، الهه احمدی به رتبه ششم دست یافت. رشته بعدی دوچرخه سواری بود که حاشیه‌های به همراه داشت. سه ورزشکاری که در این رشته برای ایران مسابقه می‌دادند هیچکدام نتوانستند به خط پایان برسند که در نوع خود جالب توجه بود! اتفاق بعدی، حذف احسان روزبهانی بود. تنها بوکسور ایرانی حاضر در ريو که یکی از شانس‌های کسب مدال بود در دور اول باخت. روزبهانی که تمام ۴ سال تلاش خود را نقش بر آب می‌دید عصبانی‌تر از همیشه بود زیرا بسیاری از کارشناسان نقش داور را در باخت احسان پررنگ می‌دیدند. زهرا نعمتی، تنها مدال‌آور تاریخ پارالمپیک ایران، سال گذشته در المپیک نیز شرکت کرد. بسیاری بر این باور بودند که نعمتی در المپیک نیز می‌تواند مانند پارالمپیک



نیلوفر عادل  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

### سکوی هفتم والیبال

بیست و هفتمین دوره لیگ جهانی والیبال سال ۲۰۱۶ با حضور ۳۶ تیم در سه سطح از ۲۷ خرداد تا ۲۷ تیرماه سال ۹۵ برگزار شد که به دلیل برگزاری المپیک نیز در همین سال قالب جدیدی به خود گرفت. تیم ملی والیبال ایران چهارمین حضور خود در لیگ جهانی والیبال را در حالی تجربه کرد که این رقابت‌ها در سال برگزاری المپیک در فشرده‌ترین زمان ممکن برگزار می‌شود.

تیم ملی ایران به سرمری گری «لوزانو» در هفته اول پس از دو باخت در مقابل برزیل و آمریکا، بازیکنان خسته و بی‌انگیزه به نظر می‌رسیدند اما در بازی آخر مقابل آرژانتین به سرمری گری «ولاسکو» - سرمری پیشین تیم ملی که تا حدود زیادی هم با بازی و ضربات بازیکنان آشنایی داشت - با نتیجه ۳-۲ بازی را برد و هفته دوم را با برد در مقابل بلغارستان آغاز کرد که امید صعود را در دل ایرانیان قرار داد. اما باز هم پس از دو شکست پیاپی در مقابل برزیل و صربستان بار دیگر صحبت از بی‌انگیزگی بازیکنان و ضعف مری به وسط آمد. در هفته سوم و نهای ایران توانست صربستان را در تهران شکست دهد اما باز هم در مقابل دو تیم دیگر یعنی ایتالیا و آرژانتین شکست خورد و در نهایت در مقام هفتم رده بندی لیگ جهانی والیبال قرار گرفت.

### فراز و نشیب المپیک ريو

در سال گذشته میلادی یکی از مهمترین رویداد های ورزشی جهان یعنی المپیک را پشت سر گذاشتیم که با شکست و پیروزی‌ها و حواشی‌های بسیاری همراه بود.

پیش از اعزام ورزشکاران به المپیک ريو، اولین حاشیه با لباس‌های کاروان ایران آغاز شد. لباس‌هایی که پس از رونمایی، تصویرش دست به دست در شبکه‌های اجتماعی چرخید و سوژه انتقادها شد. آنقدر موج این انتقادات زیاد بود که مسئولان را مجاب به تغییر طراح لباس‌ها کرد تا بلکه حمایت افکار عمومی را به دنبال بیاورد. طرح‌های جدید رونمایی شد و البته چندین بار نیز به دلایل نامشخص با تغییراتی مواجه شد تا بالاخره لباس‌های کاروان ایران

## نگاهی به جام جهانی کشتی ۲۰۱۷

### مهم ترین رویداد ورزشی سال ۹۵



زهرا جان نثار  
کارشناسی علوم ورزشی و تربیت بدنی ۹۳

تیم ملی کشتی آزاد ایران در فینال جام جهانی ۲۰۱۷ کرمانشاه آمریکا را ۵ بر ۳ شکست داد تا برای ششمین بار متوالی عنوان قهرمانی این رقابت‌ها را بدست آورد.

در دومین روز از مسابقات جام جهانی کشتی آزاد، تیم ملی کشتی آزاد ایران مغولستان را ۱-۷ شکست داد و به فینال راه یافت. ایران پیشتر از سد تیم‌های ترکیه و هند گذشته بود. آمریکا نیز با پیروزی مقابل آذربایجان حریف ایران در دیدار نهای شد. تیم ملی کشتی آزاد آمریکا که نیز برای مشخص شدن تیم نخست گروه ۸ در حالی به مصاف آذربایجان رفت که مانند دیدارهای گذشته تشویق تماشاگران ایرانی را به همراه خود داشت. تیم آمریکا هم توانسته بود تیم‌های گرجستان و روسیه را شکست دهد. در مبارزه نخست مقابل آمریکا حسن رحیمی قهرمان سال ۲۰۱۴ جهان و دارنده مدال برنز المپیک در وزن ۵۷ کیلوگرم با نتیجه ۶ بر صفر آنتونی راموس را مغلوب کرد.

سپس در کشتی وزن ۶۱ کیلوگرم، مسعود اسماعیل پور دارنده مدالهای نقره و برنز جهان به مصاف لوگان استیبر قهرمان سال ۲۰۱۶ جهان رفت و توانست به برتری ۶ بر ۲ برسد. میثم نصیری در مصاف با فرانک مولینارو در حالی که ۴ بر صفر عقب بود، دست به کار بزرگی زد و در نایم دوم به برتری ۵ بر ۴ رسید تا سومین پیروزی متوالی نصیب ایران شود.

در وزن ۷۰ کیلوگرم مصطفی حسین خانی دارنده مدال برنز جهان جیمز گرین از آمریکا را ۲ بر صفر شکست داد. در وزن ۷۴ کیلوگرم پیمان یاراحمدی به مصاف جردن باروز دارنده دو طلای جهان و قهرمان المپیک لندن رفت و ۳ بر ۲ شکست خورد.

در وزن ۸۶ کیلوگرم حسن یزدانی قهرمان المپیک ريو در مصاف با دیوید تیلور از آمریکا در حالی که در تایم اول پیش بود، در وقت دوم از لحاظ نفس کم آورد و ضربه فنی شد تا شوک بزرگی به تیم ایران وارد شود.

مسابقات جام جهانی معرفی کند؛ اتفاقی عجیب که شاید نظیر آن هم به ندرت در سطح ورزش دنیا دیده شده بود. آمریکایی‌ها در این چند سال اخیر گرما بخش مسابقات جام جهانی بودند و با تعاملی که با فدراسیون کشتی ایران برقرار کرده بودند در راه حفظ کشتی در بازی‌های المپیک گام‌های موثری برداشته شد. رفتارهای خصمانه و عجیب رئیس جمهوری آمریکا شرایطی را به وجود آورد که سفر تیم ملی آمریکا به ایران دچار تعلیق شود و به احتمال زیاد هم تیم ملی ایران برای سفر به آمریکا دچار مشکل خواهد بود.

فدراسیون کشتی ایران و آمریکا تلاش‌های زیادی را در این چند سال اخیر انجام دادند تا کشتی در المپیک باقی بماند اما حالا که این شرایط را رئیس جمهور آمریکا به وجود آورده باید این سوال را پرسید که تکلیف بازی‌های المپیک چه خواهد شد؟! باید منتظر ماند و دید که واکنش اتحادیه جهانی به اتفاقات اخیر چه خواهد بود!!

روسای فدراسیون‌های کشتی ایران و آمریکا تلاش کردند تا تیم ملی کشتی آزاد آمریکا بتواند در جام جهانی کشتی آزاد کرمانشاه شرکت کند.

به دنبال فرمان اجرایی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مورد منع سفر اتباع هفت کشور عمدتاً مسلمان به آمریکا، سفر اعضای تیم ملی آمریکا در ایران هم با مشکل مواجه شده بود و وزارت خارجه ایران مقابله به مثل کرد و تصمیم گرفت به اعضای تیم ملی کشتی آزاد آمریکا اجازه ورود به ایران را ندهد. در نهایت وزارت امور خارجه ایران با صدور ویزا برای تیم کشتی آمریکا برای شرکت در مسابقات جام جهانی کشتی در کرمانشاه موافقت کرد.

در طی یک دوره زمانی قبل از شروع مسابقات تیم ملی کشتی آمریکا به دلیل رفتارهای خصمانه رئیس جمهوری این کشور شانس حضور در مسابقات جام جهانی کشتی آزاد را از دست داده بود.

فدراسیون کشتی ایران از اتحادیه جهانی درخواست کرد که تیمی دیگر به جای تیم آمریکا برای حضور در

در مبارزه وزن ۹۷ کیلوگرم امیر محمدی حریفی قدر به نام کایل اسناید قهرمان المپیک ريو را پیش رو داشت که توانست مقابل رقیب خود کاری از پیش ببرد و ۶ بر صفر شکست خورد تا حساب کار ۴-۳ به سود ایران شود و کار برای تعیین تیم قهرمان به کشتی آخر بکشد.

در کشتی سرنوشت ساز سنگین وزن، کمیل قاسمی نایب قهرمان المپیک ريو برابر نیک گویازدوفسکی قرار گرفت که در وقت اول با اخطار کم کاری به حریف و همچنین زیرگیری و خاک ۳-۰ پیش افتاد. قاسمی در ادامه ۲ امتیاز دیگر گرفت و با پیروزی ۵-۰، ایران با حساب ۵ بر ۳ آمریکا را شکست داد و قهرمان جام جهانی شد.

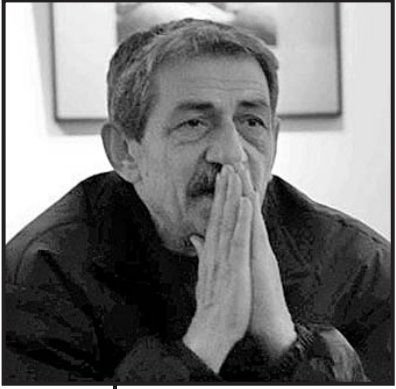
تیم کشتی آزاد ایران در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، و ۲۰۱۶ که مسابقات در آمریکا برگزار شد، قهرمان جام بوده است. ایران تا کنون هفت بار به قهرمانی جام جهانی کشتی رسیده است.

مسابقات امسال در حالی برگزار شد که در مورد سفر اعضای تیم آمریکا به ایران بحث‌هایی در جریان بود و

# کافه تریا

۱۵

## خودکشی!



**بهنام غلامی (کارشناسی دبیری شیمی ۹۲):** در فضای مجازی شاهد قصه‌ای بودیم که کم‌کم به شنیدن آن عادت کرده‌ایم و احتمالاً خودکشی افراد یک جامعه نام مناسبی برای آن باشد. قصه از این ماجراست: «کتاب‌فروشی ویستا تعطیل شد». نصرالله کسراتیان مدیر کتابفروشی ویستا در شماره ۳۳۲ ماهنامه جهان کتاب گفت: «بدین وسیله وسیله به اطلاع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت دارایی، سازمان تأمین اجتماعی، شهرداری، ادارات برق، گاز، تلفن، اتحادیه ناشران و کتابفروشان، هم‌محل‌های‌ها، مجله وزین جهان کتاب، رسانه‌های مجازی و آن دو آقایی که یکی دو روز پس از افتتاح کتابفروشی، طی گفت‌وگویی بسیار محترمانه در زیرزمین کتابفروشی اطمینان حاصل کردند که مراسم رونمایی و این جور چیزها برگزار نمی‌کنیم، می‌رساند که «کتاب ویستا» واقع در خیابان سوم سعادت آباد از تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۹۵ تعطیل شده است. نه از آنها که نیامدند گله داریم و نه از آنها که کتاب نمی‌خوانند. از آنها هم که آمدند و به اشکال مختلف به ما کمک کردند سپاسگزاریم. چند سال سوبسید دادیم و تلاش کردیم سرپا نگه داریم، نشد؛ تصمیم برای تعطیل کردنش، تصمیمی دشوار بود، به ویژه برای همسر من که تا آخرین لحظه، برای باز نگاه داشتنش اصرار داشت.» قصه کتاب‌خواندن در جامعه ما به کلیشه‌ای خطرناک و عادت بدی تبدیل شده است. آمارهای مختلفی از سرانه مطالعه در کشور اعلام می‌شود و نحوه به دست آمدن این آمار بر بسیاری پوشیده است و آن را قابل اعتماد نمی‌دانند و به همین دلیل شاید نتوان ارگان خاصی را مورد نقد قرار داد. اما آنچه را که می‌توان فهمید این است که اقبال به خواندن کتاب در جامعه به شدت کاهش یافته است.

نیمه اول اسفند ۹۵

## آسمان فرخزاد دیگر آبی نیست...

به یاد پوران فرخزاد



غزل طهماسبی  
کارشناسی مترجمی زبان فرانسه ۹۴

باز صبحی دیگر...  
باز صبحی دیگر...  
از سر شاخه‌های بلند سپیدار  
عطر زرین گیسوی خورشید  
شوق سرشاری آب  
حس فواره گاه جهیدن  
ذوق بودن  
باز صبحی دیگر...  
در هوای گل سرخ و گنجشک  
زیر آوار اوهام دیروز  
در حباب خیالات فردا،  
زندگانی...

می‌گفت با روییدن بنفشه‌ها گریه ام می‌گیرد. دوست دارم بهاری را ببینم که در آن همه از ته دل می‌خندند؛ بهاری که جیب مردم خالی باشد، بهار من نیست.

دوست داشت خورشید را بپرستد؛ «مهره ی مهر» خاموش شده ی سرزمینش را بازشناساند و یادآوری کند: «باران دیگر آبی نیست».

پوران فرخزاد، خواهر بزرگ تر فروغ و فریدون فرخزاد، نویسنده، مترجم و پژوهشگر ایرانی بود که برای حفظ استقلال و جایگاه زن، با قلب و قلم تلاش بسیار کرد.

او نویسنده ی اولین دانشنامه ی زنان فرهنگساز ایران و جهان است که دست مایه ی آن، انتشار کتاب «از دیروز تا امروز» است که به طور اختصاصی به کارنامه ی زنان کارا و موفق ایران پرداخته است. او استعداد شاعری را محصل زن تربیت نشده ی پدر می‌دانست که بعد ها بین پوران و فروغ و فریدون تقسیم شد.

پوران فرخزاد خود را زنی تعریف می‌کرد که همیشه غذایی ته می‌گرفته؛ کارهای خانه را دوست نداشت و هیچ وقت «زن خانه» نبود. عاشق شدن را گاه، گول کلمات عاشقانه خوردن تلقی می‌کرد و طلاقش را که پس از ده سال زندگی بود، شکست نمی‌دانست. می‌گفت طعم واقعی زندگی را پس از آن چشیده است.

او همواره به آزادی زنان و نقش ایشان در جامعه می‌پرداخت و در این راه «سلام مادر»، «نیمه‌های نا تمام»، «اوهام سرخ شقایق»، «مسیح مادر (نشان زن در زندگی و آثار شاملو)» و... را به رشته ی تحریر در آورد.

پوران با مجاهدت بسیار نام فروغ را جاودانه تر کرد و در توصیف او، «کسی که مثل هیچ کس نیست» را نوشت. تا حد امکان به تجدید چاپ آثارش می‌پرداخت و در محافل ادبی یاد او را همواره زنده نگاه داشت.

او در خاطراتش فروغ را به دلیل به دنیا آمدن بین دو پسر، دختری با رفتارهای پسرانه می‌داند و او را گنده لات پسر خطاب می‌کند. پوران به همراه فروغ که دوران کودکی را زیر سایه ی سلطه ی پدری قدرتمند و نظامی گذرانده بودند، بزرگ شدند؛ ریشه کردند؛ از خانه طرد شدند؛ رنج کشیدند؛ اما استوار ماندند.

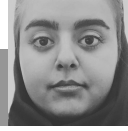
آن‌ها قبل از حادثه ی مرگ فروغ مشاجره ای باهم داشتند و این آخرین مکالمه ی ایشان با یکدیگر بود. پوران فرخزاد یک فیمنیست واقعی بود که اعمال و افکارش گواه صدق راهش بود. او در این زمینه کتاب‌هایی نوشت که چاپ نشدند؛ تحقیقاتی انجام داد که مورد توجه قرار نگرفتند و آثاری منتشر کرد که از کتاب فروشی‌ها جمع شدند. او در این راه یک حامی همیشه پایبند داشت و آن، خودش بود.

پوران در خاموشی و سکوت، یک روز پس از زادروز فروغ در صبح روز نهم دی ماه سال نود و پنج در سن ۸۳ سالگی بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت اما «مردی بر لب‌های آینده» تا ابد از «همت بلند» او گفت و «مسیح مادر»، «چنگ مشوش» نواخت تا نغمه ی زن، جاودانه طنین انداز شود...

دانم دگر بهار نروید به باغ دل  
شعری بخوان به گوش و مرا مست خواب کن

## بادست هایمان زندگی کنیم...

سودا باقری  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



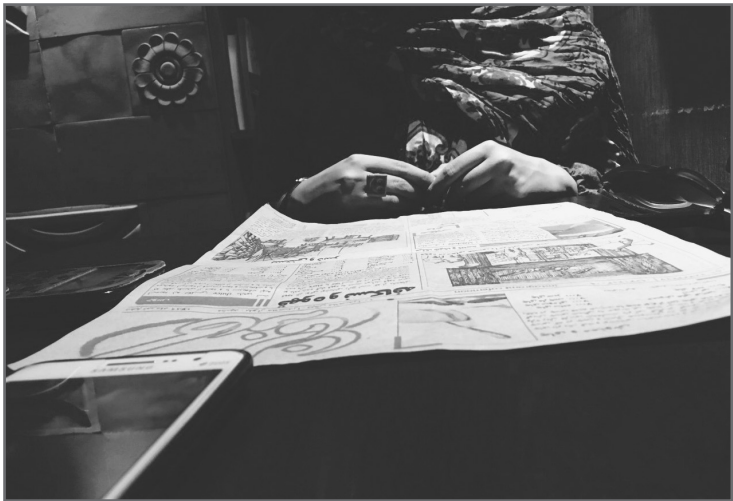
با دست هایمان هزاران نیکی و بدی می‌توانیم انجام دهیم، با دست هایمان بنویسم و جاودانه شوم، با دست هایمان بنوازم، با دست هایمان نوازش کنیم، و ببینم حتی... لمس کنیم خوبی‌ها و زیبایی‌ها را، با دست‌ها می‌شود یاری رساند و هم نوعی را از لحظه‌های تنهایی‌اش بیرون کشاند، با دست‌ها می‌شود آرام شد، عاشق شد و بعد مُرد. با دست‌ها می‌شود فکر کرد، درد کشید، شادی کرد، رقصید...

با دست‌هایمان زندگی کنیم...

ما را در پیج اینستاگرام نشریه (vaghaye.mag) و کانال تلگرام (@vaghayemagz) دنبال کنید.



شمیم مصطفی زاده  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲



سودا باقری  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



پریسا قره داشی  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



پریسا قره داشی  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴

## دیلن؟! تو دیگه چرا!؟

درباره جایزه نوبل ادبیات باب دیلن

اما ادبیات به جایزه ی نوبل احتیاج دارد. امسال، ادبیات این جایزه را نخواهد گرفت.

گابریل گارسیا مارکز برنده ی فقید جایزه ی نوبل پیش آنکه برنده ی نوبل باشد سخن جالبی در باره نوبل گفته است: «نتیجه ی نهایی به شایستگی و حق مسلم کاندیدا ربطی ندارد. به انصاف و عدل خداوند نیز مربوط نیست به اراده ی اسرارآمیز هیأت داوران مربوط است و بس!»



لذت می‌بریم پس می‌توانیم کارهای دیلن را هم بخوانیم.»

بله، آقای دیلن ترانه سرایی درخشان است. او یک کتاب شعر و یک زندگی‌نامه نوشته است. اما تحلیل ترانه‌های او به عنوان شعر ممکن است. نوشته‌های آقای دیلن جدا از موسیقی او نیست.

او شخصیتی بزرگ است چرا که موسیقیدانی بزرگ است، و هنگامی که کمیته ی نوبل، جایزه ی ادبیات را به یک موسیقیدان می‌دهد، فرصت تجلیل از یک نویسنده را می‌گیرد و این انتخابی ناامیدکننده است. با کاهش میزان مطالعه در سراسر جهان، جایزه‌های ادبی مهم‌تر از همیشه هستند. یک جایزه ی بزرگ به معنای جهش در فروش و خواندن بیشتر یک اثر حتی برای یک نویسنده ی شناخته شده است. اما پیش از آن، اعطای جایزه ی نوبل به یک نویسنده و یا یک شاعر، راهی برای تأیید این مطلب است که داستان و شعر هنوز هم دارای اهمیت هستند و تلاش‌های سخت انسانی، ارزش شناخت بین‌المللی را دارند.

کمیته ی نوبل احتمالاً نمی‌خواسته تا با انتخاب خود، داستان یا شعر را بی‌اهمیت نشان دهد. با بزرگداشت یک نماد موسیقی، اعضای این کمیته خواسته‌اند تا اعتبار فرهنگی جدیدی به جایزه ببخشند و آن را به نسل جوان نیز ارتباط دهند. کمیته ی نوبل این جایزه را به مردی داد که در زمینه ی دیگری شهرت بین‌المللی دارد و به شخصه افتخارات زیادی را کسب کرده است. باب دیلن نیازی به جایزه ی نوبل در ادبیات ندارد،

فروزان قدوسی  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۵



جایزه نوبل ادبیات یکی از پنج جایزه نوبل است و هر سال به نویسنده‌ای داده می‌شود که به گفته آلفرد نوبل برجسته‌ترین اثر با گرایش آرمان‌خواهانه را نوشته باشد.

باب دیلن ۷۵ ساله که تأثیر شگرفی روی موسیقی راک داشت، جایزه ی نوبل ادبی امسال را از آن خود کرد. او دومین شهروند آمریکایی به حساب می‌آید که برنده ی این جایزه است. با این حال انتشار چنین خبری بسیار شوکه‌کننده بود چراکه با وجود فعالیت‌های دیلن و تأثیرات او بر موسیقی و ادبیات آمریکا انتخاب او برای جایزه ی نوبل با سبک و سیاق پیشین گروه انتخاب‌گر متفاوت بود.

این مسأله آنقدر عجیب بود که حتی دلیل «خلق تعابیر جدید شاعرانه» هم نتوانستند از شگفتی اهالی ادبیات کم‌کنند. این انتخاب هرچه باعث تحیر خانواده‌ی بزرگ ادبیات بود، باعث شادی و شغف اهالی موسیقی بود. علاقه‌مندان به موسیقی و ترانه این انتخاب را کاملاً منصفانه و شاهدهی برای همجواری ادبیات و موسیقی می‌دانستند.

دانیوس عضو آکادمی نوبل گفت: «شاید انتخاب دیلن غافلگیرکننده به نظر برسد اما اگر به ۲۵۰۰ سال قبل بازگردید به اشعار هومر و سافو می‌رسید آنها متونی شاعرانه می‌گفتند تا روی صحنه اجرا شود و همین در مورد باب دیلن هم صدق می‌کند. ما هنوز از آثار هومر و سافو

هیئت تحریریه: سرویس خبرنگار: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد محبی، سجاد ناصری، سهراب شریفی، محدثه احمدی، سینا سهیلی فر، علی میری، علی قدیری، سرویس دارالفنون: فرناز محمدیان (دبیر سرویس)، پریسا فتاحی، مریم رضازاده، بهنام غلامی، فاطمه نصیرایی، سرویس سینمایی: مهدی میلانی (دبیر سرویس)، نیلوفر عادل، نگار گازرانی، مصطفی رحیمی فر، فائزه سرفرازی، سجاد عمران، امیررضا احتشام نسب، آتوسا آریایی، سرویس ادبی: غزل طهماسبی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، محدثه هادی نژاد، اسماء سنجاق‌ساز، غزل عرفانی، هاجر رضائی، مرتضی نادری، سرویس موسیقی: نگار سنگتراش (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، سارا شجاع، حمیدرضا علیمردانی، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری، پریسا قره‌داشی، سارا صداقت، سرویس ورزشی: پریسا علیزاده (دبیر سرویس)، نرگس جعفری، شروین رضائی، سرویس تئاتر: داوودشالفروشان (دبیر سرویس)، امیر قاسمیان مقدم، بابک علائی، سرویس پشتیبانی: بهاره ابراهیمی (دبیر سرویس)

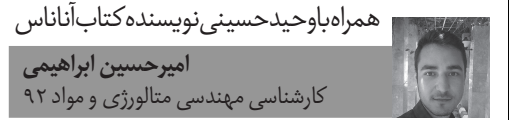
طراح و صفحه‌آرا: هومن مرادی ویراستار: سحر سعادتی  
وبسایت: www.SDJD.ir ایمیل: vaghayemag@gmail.com

سامانه ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳  
پل ارتباطی ما با شما مخاطبان گرامی است. در صورت تمایل به همکاری با نشریه، می‌توانید کلمه «همکاری» را به سامانه ارسال کنید.

جدیدترین اخبار و رویدادها در کانال تلگرام وقایع آتاقیه: @vaghayemagz

# کافه تریا

## آناناس بخورید و بخوانید!



امیرحسین ابراهیمی  
کارشناسی مهندسی متالورژی و مواد ۹۲

مرد توی سوپرمارکت داشت نوشیدنی‌های یخچال را نگاه می‌کرد که صدای لوندی گفت: «به نظرتون کدوم خوشمزه‌تره؟»  
زن را که دید، سبب آدمش جنبید و گفت: «نوشابه‌ها رو می‌گی؟»  
زن خندید و گفت: «پس فکر کردی منظورم این خانومایی‌ان که اومدن خرید؟!»  
او هم خندید.  
در خانه زن داشتند عصرانه ژامبون می‌خوردند که زن گفت...

### داستان‌های خیلی کوتاه (نوشابه‌سیاه)

و حیدحسینی ایرانی  
آناناس، میوه‌ای با ظاهر سبز و قهوه‌ای و البته بوستی زبر و ناهموار. میوه‌ای که در پس این ظاهر خشن، طعم و رنگ دلپذیری برای ما به ارمغان می‌آورد. تضادی که شاید به ما یادآوری می‌کند که خیلی زود قضاوت نکنیم. راستی شما هم آدم‌هایی می‌شناسید که مثل آناناس باشند؟ همان‌هایی که ظاهری متفاوت و رفتاری جدی دارند، اما بعد از آشنایی و صمیمی شدن با آن‌ها، می‌توان پی به صافی و صداقت آن‌ها و زیبایی‌شان برد.

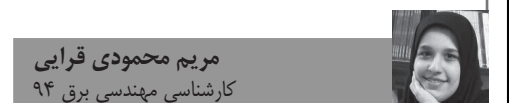
(آناناس) علاوه بر اینکه اسم یک میوه است، می‌تواند عنوان اولین کتاب وحید ایرانی خراسانی نیز باشد. که در ماه اسفند منتشر شد. سرویس ادبی نشریه وقایع آتاقیه بنا بر رسالت خود بر آن شد تا از این فرصت استفاده کرده و با این نویسنده‌ی متعهد و فرهنگ دوست، مصاحبه‌ای انجام دهد:

### - در ابتدا معرفی مختصری از خودتون و فعالیت‌های حوزه نویسندگی که تاکنون داشتید، بفرمایید.

- بنده وحید حسینی ایرانی، متولد ۱۳۵۸، ساکن مشهد، داستان نویس، روزنامه‌نگار و سردبیر پیشین نشریه ادبی «دال» و مجله «هنر» هستم.

### معرفی کتاب

### پرفروش‌ترین کتاب‌ها در سالی که گذشت



مریم محمودی قزایی  
کارشناسی مهندسی برق ۹۴

به نقل از سایت آمازون، پرفروش‌ترین کتاب‌ها در سال ۲۰۱۶ عبارت بودند از:

هری پاتر و کودک نفرین شده بر اساس داستانی از جی. کی رولینگ؛ کتابی که طرفداران هری پاتر انتظار زیادی برای خواندنش کشیدند و بسیاری از آنها را ناامید کرد.

جویندگان قدرت اثر تام راث؛ کتابی که به شما کمک می‌کند تا استعداد‌های خود را شکوفا کنید و نسبت به خودتان دید بهتری داشته باشید.

وقتی تنفس تبدیل به هوا می‌شود اثر پل کالاتینی؛ نویسنده در این کتاب به یکسری سوالات بی‌پایان بشر گلاویز شده است. سوالاتی چون: هنگام مواجهه با مرگ چه چیزی به زندگی ارزش می‌دهد؟ چگونه می‌توان با مرگ جنگید؟

کتاب‌های دیگری که اسم آنها در این لیست به چشم می‌خورند عبارتند از: ۵۷ زبان عشق (گری چاپمن)، آیین درست زندگی (ویل کارنگی)، کشتن مرغ مقلد (هارپر لی)، ۷ عادت مردان موثر (استفان آر. کاوی)، و من پیش از تو (جوچو مویز)

در رابطه با پرفروش‌ترین کتاب‌های سال ۹۵ در ایران نیز باید اشاره کرد با توجه به این که هنوز سال به اتمام نرسیده هنوز لیستی از این کتاب‌ها موجود

### شعر

### هر کجا فصل عشق می‌روید...



فائزة سالاری  
کارشناسی فیزیک ۹۳

جابجا میکند هوای بهار، عطر گل‌های تووی گل‌دان را در حریر حصار گونه‌ی باد، می‌کشد رخوت درختان را

\*\*\*

شب شراب بهشت می‌نوشد، روزها رخوت نور می‌پوشند

گاه آرام روی پنجره‌ها، می‌کشد پرده‌های باران را

چاپ داستان‌ها در نشریاتی چون: همشهری داستان، تجربه، خوانش، گلستانه، نوشتا، فرهیختگان، رودکی و... کتابها؛ مجموعه داستانک «آناناس» از دیگر فعالیت‌های بنده در این عرصه است. بنیانگذار و گرداننده انجمن ماتیکن داستان از سال ۱۳۸۳ تا کنون نیز می‌باشم.

- شرح کوتاهی از تفاوت داستان کوتاه و داستان خیلی کوتاه را ارائه دهید.  
- بعید است بتوان تعریفی جامع و مانع از مفهوم کلی «داستانک» یا همان «داستان خیلی کوتاه» به دست داد؛ با این حال، حجم، دم دستی‌ترین عاملی است که برای تشخیص داستانک به شمار آورده‌اند. البته با ملاک قرار دادن تعداد واژه، به تعریف دقیقی نمی‌رسیم و عوامل دیگری مثل شکل و ساختار و حتی گاهی محتوا در تمایز داستانک از داستان کوتاه نقش دارد. برای نمونه یکی از انواع داستانک، «فلش فیکشن» است که در پارسی به «داستان برق آسا» نیز ترجمه شده است. داستان برق آسا معمولاً بین ۲۵۰ تا ۷۵۰ واژه است. احتمالاً دلیل انتخاب این میزان از کلمات بر گردد به داستان ۷۵۰ واژه‌ای ارنست همینگوی به نام «داستانی خیلی کوتاه».

### - چرا اسم کتاب را یک میوه (آناناس) انتخاب کردید؟

- نام مجموعه داستانک «آناناس» از نام یکی از داستانهای این کتاب به نام «آناناس روی صحنه» گرفته شده است. بنده چند عنوان برای کتاب به ناشر پیشنهاد دادم که با مشورت با ایشان در نهایت به عنوان تک کلمه‌ای «آناناس» رسیدیم. با توجه به تجربیات آقای بنی فاطمه، مدیر نشر نون، احتمالاً این عنوان برای طیف گسترده‌تری از مخاطبان جالب خواهد بود.

### - دغدغه ذهنی خاصی باعث شد تا کتاب آناناس را بنویسید؟

- «آناناس» حاصل تجربه‌ها و دغدغه‌های گوناگون بنده است که با توجه به حجم اندک داستان‌های آن - از یک خط تا چند صفحه - در فرصت‌هایی کوتاه به هر یک پرداخته‌ام. این دغدغه‌ها از مسائل عاطفی و موضوعات عاشقانه تا مباحث اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی را دربردارد.

### - خط فکری غالب شما در این مجموعه داستان چیست؟

- منظورتان از خط فکری را درست متوجه نمی‌شوم اما به عنوان داستان نویسی ایرانی. که کشورش را دوست دارد و عاشق پیشینه فرهنگی و تاریخی آن است. احتمالاً به چیزهایی توجه کرده‌ام که در جهان بینی چنین نویسنده‌ای جای می‌گیرد.

### - آیا قشر خاصی از جامعه را مخاطب مجموعه خود قرار داده‌اید؟

- به نظرم طبیعی است که نویسنده دوست داشته باشد خواننده بیشتری داشته باشد؛ البته نه به بهای غلتیدن به دام ابتذال و سطحی‌نگری. نزدیک به ۸۰ داستان یا داستانک در این کتاب وجود دارد که به نظرم بتواند طیف‌های گوناگونی از علاقه‌مندان ادبیات را راضی کند؛ از مخاطبی که فقط مخاطب ادبیات است تا کسی که خودش دغدغه نوشتن دارد.

### - آیا در داستان‌های خود بصورت استعاری به دغدغه‌های اجتماعی شهر مشهد و یا بصورت کلی تر کشور اشاره داشتید؟

- در این مجموعه، داستانک‌هایی وجود دارد که به صراحت به انتقاد از آسیب‌هایی از قبیل فقر می‌پردازد و نیز کارهایی که رویکردی استعاری دارد؛ به عنوان مثال داستانکی که درباره موجوداتی فضایی که نگران ابعاد خصوصی زندگی مردم زمین اند؛ شب به نظرم چندان دور از ذهن نباشد که معادل این فضایی‌های دلواپس چه کسانی هستند. اما اینکه به طور مشخص مسائلی سوزه شده باشد که به شهر خود مشهد اختصاص دارد، فکر نمی‌کردم چنین اتفاقی در کتاب رخ داده باشد.

### - به عنوان سوال آخر، برای علاقه‌مندان به حوزه‌ی نویسندگی چه توصیه‌ای دارید؟

- توصیه‌ای که کار علامت است. اما باید به خودم مدام گوشزد کنم که در کنار آثار شاخص ادبیات داستانی جهان، حتماً حتماً ادبیات کلاسیک پارسی را بارها و بارها بخوانم؛ شاهنامه و گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و از این دست که نه تنها ساختمان نثر نویسنده ایرانی را می‌سازد بلکه از لحاظ فکری هم او را تغذیه می‌کند.

### شعر

### تو پری چهر منی



علیرضا محمودی  
کارشناسی علوم اقتصادی ۹۵

یاد آن روز بخیر  
دست در دست تو بودم  
و به دیدار سحر میرفتم  
در میان گلزار  
خنده‌های بسیار  
ابر هم بر تو و این عشق حسد می‌ورزید  
ناگهان بر آشت  
بغض او ترکید و اشک خود را بارید، بر سر مخلوقات

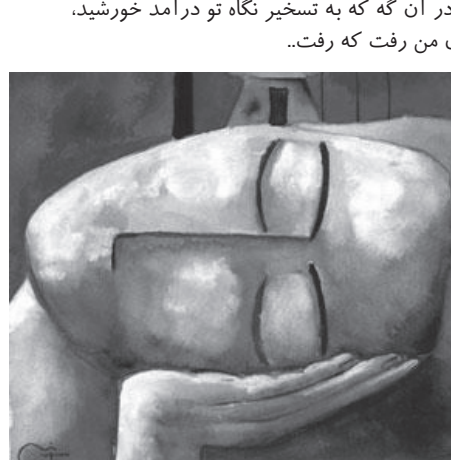
ما ولی از چمن و باغ گذر می‌کردیم  
تو در آغوش من و چتر تو من

تو پری چهر منی  
من،  
پریشان توام  
تا در آغوش منی  
من،  
نگهبان توام

آسمان این سخنم را بشنید  
رعد غرید و دل ابر هزاران چاک خورد  
تو ترس؛

من تو را ترک نگویم هرگز  
چشم وا کن و ببین  
که طلوع سحر از راه رسید  
و در آن گه که به تسخیر نگاه تو درآمد خورشید،  
دل من رفت که رفت...

یاد آن روز بخیر  
دست در دست تو بودم  
و به دیدار سحر میرفتم  
در میان گلزار  
خنده‌های بسیار  
ابر هم بر تو و این عشق حسد می‌ورزید  
ناگهان بر آشت  
بغض او ترکید و اشک خود را بارید، بر سر مخلوقات  
ما ولی از چمن و باغ گذر می‌کردیم  
تو در آغوش من و چتر تو من  
تو پری چهر منی  
من،  
پریشان توام  
تا در آغوش منی  
من،  
نگهبان توام  
آسمان این سخنم را بشنید  
رعد غرید و دل ابر هزاران چاک خورد  
تو ترس؛  
من تو را ترک نگویم هرگز  
چشم وا کن و ببین  
که طلوع سحر از راه رسید  
و در آن گه که به تسخیر نگاه تو درآمد خورشید،  
دل من رفت که رفت...



### در حوالی اینستاگرام



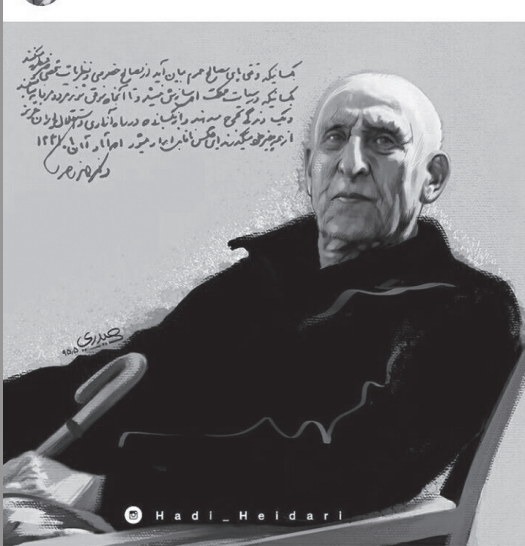
«این آقای رجب زاده است» کتابگردی محمدعلی ایطی سیاستمدار در مشهد. وی در اینستاگرام ۱۲۵ هزار فالور دارد.



صابر ابر به مناسبت افتخار آفرینی مجدد فرهادی عکسی دیده نشده از درباره‌الی را منتشر کرده است؛ ۶۲۲ هزار نفر دوستدار ابر هستند.



«آقای برانکو تولدت مبارک»؛ تبریک کریم باقری، هافبک محبوب قرمزها، به مربی موفق این روزهای پرسپولیس. ۷۴۵ هزار نفر پست‌های باقری را می‌بینند.



«چهارده اسفند، پنجاهمین سال درگذشت دکتر محمد مصدق»؛ هادی حیدری در اینستاگرام ۳۹ هزار علاقه‌مند دارد.